مقدمه

به نام خدایی که در این نزدیکی است.

دانش‌آموزان عزیز و همکاران فرهیخته، سلام

در سال‌های اخیر و به‌ویژه در امتحان نهایی زبان دوازدهم خردادماه ۱۴۰۳، سؤالات مفهومی بسیاری طراحی شده بود؛ این بدین معناست که با زمان کم نمی‌شـــود به نمرهٔ بیست رسید و این امر مستلزم یک برنامهٔ منظم و مستمر برای مطالعه است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب منطبق بودن آن با تدریس همکاران عزیز و آموزش تدریجی همهٔ مطالب براســـاس طرح درس سالانهٔ وزارت آموزش و پرورش است. برای سهولت در مطالعهٔ مستمر، کتاب پرسؤال به چهار بخش تقسیم شده تا هم دانش‌آموزان عزیز زمان لازم را برای مطالعهٔ هر بخش داشته باشند و هم دچار استرس نشوند. اینجانب با مطالعهٔ اکثر کتاب‌های موجود در بازار سعی کرده‌ام با احترام به رقبا (رفقا) بهترین‌ها را برای شما عزیزان فراهم کنم تا وقت و هزینهٔ شما را تلف نکرده باشم (انشاءالله).

ســـاختار کتاب کتاب بیست‌پک به این نیت نوشته شده که تمام نیازهای شما دانش‌آموزان عزیز را برای گرفتن نمرهٔ خوب در امتحان نهایی برطرف کند. با اطمینان می‌گوییم که هیچ نکته‌ای در امتحان نهایی مطرح نشـــده مگر اینکه ما هم در این کتاب به آن پرداخته‌ایم. تعداد زیاد سؤالات شبیه‌ساز ما گواهی بر این ادعای ماست.

کتاب پرسؤال **۱- بخش اول:**

Title Page , Get Ready , Conversation

در این بخش علاوه‌بر لیست کامل واژگان و همایندها، سؤالات متنوعی مانند پر کردن جاهای خالی، سؤال تصویری، تعاریف واژگان، چهارگزینه‌ای و تمرینات ویژهٔ کلمات هم‌نشـــین (collocation) آمده اســـت. این بخش و سایر بخش‌ها شامل خط به خط کتاب درسی و سؤالات تألیفی و امتحانات نهایی سال‌های گذشته می‌شود. تسلط بر این بخش سه درس کتاب، ۶ نمره (۱۵ درصد) امتحانات نهایی را پوشش می‌دهد.

۲. بخش دوم:

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

بعد از مطالعهٔ بخش واژگان و همایندها، تعداد زیادی از سؤالات این بخش را مشاهده می‌کنید که شامل انواع تیپ‌های سوال‌ها مانند پر کردن جاهای خالی جملات، تمرینات ویژهٔ همایندها، سؤالات تصویری واژگان، سؤالات چهارگزینه‌ای، متن کتاب درسی با ترجمه و تمرینات متنوع آن می‌باشـــد. فراموش نکنید که حدود ۱۶ نمره از ۴۰ نمره به همین بخش تعلق دارد، یعنی ۴۲/۵ درصد ســـؤالات. به‌علاوه حتی از متن درس‌ها هم سؤالات شنیداری داده می‌شود.

۳. بخش سوم:

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

برای انجام تمرینات این بخش ابتدا لازم است واژگان این بخش تمرین شود، چون علت عمدهٔ مشکلات بخش گرامر، ناشی از ضعف در دامنهٔ واژگان اســـت. این بخش ۲۴ نمره دارد، یعنی ۶۰ درصد سؤالات را تشکیل می‌دهد. این ۲۴ نمره شامل ۷ نمره گرامر و ۹ نمره بخش شنیداری و ۸ نمره بخش نگارش می‌شود.

۴. بخش چهارم:

این بخش شامل **متن کتاب کار و تمرینات مهم و کاربردی** آن است که برای امتحانات نهایی مهم است. در امتحانات نهایی در طراحی سؤالات واژگان، گرامر، درک مطلب و شنیداری از کتاب کار استفاده می‌شود. در ضمن متون کتاب کار سخت‌تر از کتاب دانش‌آموز می‌باشد، پس بادقت و موشکافانه آن‌ها را بخوانید. برای بیست گرفتن حتماً باید به مطالب کتاب کار مسلط باشید.

کتاب کاربرگ امتحانی **۱- آزمون‌های درســـی:** آزمون‌های درســـی را به سبک و سیاق امتحان نهایی طراحی کردم؛ همچنین سعی کرده‌ام تمام نـــکات مهـــم و امتحان‌خیز هر درس، در قالب این آزمون‌ها بیاید. بنابراین پس از خوانـــدن هر درس، یک امتحان نهایی در حد همان درس در انتظارتان است.

۲- آزمون‌های جامع پس از آزمون‌های درس به درس، شش آزمون جامع قرار داده‌ایم. از این شش آزمون، دو آزمون تألیفی برای نیم‌سال اوّل، دو آزمون تألیفی شبیه‌ساز نهایی برای نوبت دوم و آخر سال و دو آزمون نهایی است: دی ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۳. حتماً پس از مطالعهٔ کل کتاب به این آزمون‌ها بپردازید.

خلاصه کپسولی با هدف جمع‌بندی، یک دفترچهٔ کاربردی و موضوعی، ضمیمهٔ کتاب قرار داده شده؛ موضوعات این دفترچهٔ کار راه‌اندازِ شب امتحانی، موارد مهم و مروری با محوریت لغات و گرامر است.

سپاسگذاری

و در خاتمه وظیفهٔ خود می‌دانم از افرادی که در آماده شدن این کتاب همراه من بوده‌اند، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم.

ابتدا خداوند بزرگ را شاکرم که توفیق این خدمت ناچیز فرهنگی را به من عطا فرمود تا به اندازهٔ یک اپسیلون در موفقیت فرزندان این مرز گام بردارم و در شادی موفقیت‌هایشان سهیم باشم.

جناب آقای احمد اختیاری مدیرعامل انتشارات مهروماه که همیشه با راهنمایی‌هایشان باعث دلگرمی من بودند.

جناب آقای امیر محمدبیگی مدیر تألیف خستگی‌ناپذیر و خیلی کاربلد پروژه که از ایده‌هایشان در پربار شدن این اثر استفاده شده است. ایشان در کارشان بسیار جدی هستند و همراه بودنشان را ارج می‌نهم.

دوست عزیز و برادر بزرگوارم جناب استاد مهدی احمدی مدیر دپارتمان زبان انتشارات مهروماه که حضورم را در مجموعهٔ وزین مهروماه مدیون ایشان هستم و تنها دوستی هستند که همیشه می‌توان روی دوستی‌اش حساب کرد.

دوست و استاد ارجمندم جناب آقای بهرام دستگیری (مؤلف بیش از ۴۰ عنوان کتاب کمک درسی) که در ویرایش کتاب‌ها همیشه کمک کار من بودند. ایشان یکی از بهترین‌های زبان ایران و استان اردبیل هستند.

تشکر ویژه‌ای دارم از سرکار خانم مهشید بشیری بابت تقبل تمام زحمات و پیگیری کارها؛ همراهی ایشان موهبت بزرگی است.

در پایان از همهٔ دانش‌آموزان عزیز و همکاران فرهیخته تقاضا دارم با ارسال نظرات و پیشنهادات سازنده از طریق روابط عمومی انتشارات مهروماه به سامانهٔ ۹۶۸۸۴ ما را در هرچه بهتر شدن این کتاب یاری فرمایند.

علی عاشوری

Telegram:@ashooryzaban

با سپاس فراوان از استادان گرامی که بازخوانی نهایی کتاب را انجام دادند:

با سپاس فراوان از استادان گرامی که بازخوانی نهایی کتاب را انجام دادند؛

- سرکار خانم مریم پرویزی از تهران
- سرکار خانم شکیبا اسماعیلی از تهران
- سرکار خانم دکتر زهرا براتی سرگروه محترم منطقهٔ ۱۴ تهران
- سرکار خانم فاطمه مرادیان‌فر از شهرکرد
- سرکار خانم فاطمه عصیری از سمنان
- استاد بهرام دستگیری از اردبیل

جدول اختصارات استفاده شده در کتاب

معنی	کلمه	اختصار
فعل	verb	v.
اسم	noun	n.
قید	adverb	adv.
صفت	adjective	adj.
حرف اضافه	preposition	prep.
هم‌نشین، همایند	collocation	col.
فعل دوکلمه‌ای	phrasal verb	phr.v
اصطلاح	expression	expr.
حرف ربط	conjunction	conj.

فهرست

درس ۱: Sense of Appreciation ۷

Title Page, Get Ready, Conversation

لغات ۸
سؤالات امتحانی ۱۸
پاسخ‌نامه ۱۱۰

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

لغات ۱۰
سؤالات امتحانی ۲۰
پاسخ‌نامه ۱۱۱

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

لغات ۱۱
دستور زبان ۱۲
سؤالات امتحانی ۲۴
پاسخ‌نامه ۱۱۳
کتاب کار ۴۰

درس ۲: Look it Up! ۴۳

Title Page, Get Ready, Conversation

لغات ۴۴
سؤالات امتحانی ۵۱
پاسخ‌نامه ۱۲۶

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

لغات ۴۵
سؤالات امتحانی ۵۳
پاسخ‌نامه ۱۲۷

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

لغات ۴۶
دستور زبان ۴۸
سؤالات امتحانی ۵۸
پاسخ‌نامه ۱۳۰
کتاب کار ۷۴

درس ۳: Renewable Energy

۷۷

Title Page, Get Ready, Conversation

لغات ۷۸
سؤالات امتحانی ۸۶
پاسخ‌نامه ۱۴۳

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

لغات ۷۹
سؤالات امتحانی ۸۸
پاسخ‌نامه ۱۴۴

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

لغات ۸۲
دستور زبان ۸۳
سؤالات امتحانی ۹۲
پاسخ‌نامه ۱۴۶
کتاب کار ۱۰۶

پیوست

لغات پرتکرار نهایی ۱۵۸
افعال ۱۵۹
مکالمات ۱۶۳

۱۵۷

Lesson 1

Student Book

برای دریافت پاسخ پرسش‌های کتاب درسی این QR-Code را اسکن کنید!

مشاوره: دانش آموزان عزیز: در این درس برای نمره خوب گرفتن:

۱- مکالمه و متن درس خیلی اهمیت داره چون در سوالات امتحان نهایی بخش عمده‌ای از سوالات شنیداری از این بخش‌ها طراحی میشه.

۲- در بخش گرامر تمرینات معلوم و مجهول حدود ۳ نمره داره که دقیقاً عین کتاب درسی میاد. از حل دقیق تمرینات غافل نشید.

۳- برای بخش واژگان که بخش خیلی مهمیه مطالعه واژگان بخش مکالمه. لغات و اصطلاحات که شامل لغات کلیدی است فراموش نشه.

۴- بخش نگارش درس یک ۲ نمره داره که شامل حروف ربط میشه و خیلی هم ساده است. حتماً این بخش نمره بیار را جدی بگیرین. کافیه یک بار دقیقاً تمرینات کتاب درسی و کتاب کار را دقیق حل کنین.

برای شما دانش آموز عزیز بهترین را آرزومندم. Do your best and Allah will do the rest! تو نهایت تلاشت را بکن. باقیش با خدا.

Vocabulary لغات

Title Page , Get Ready , Conversation

- **abroad** (adv.) خارج
- **advice** (n.) توصیه
- **a little** (adv.) کمی
- **appreciation** (n.) قدردانی، درک
- **appropriate** (adj.) مناسب
- **behavior** (n.) رفتار
- **blood** (n.) خون
- **boost** (v.) تقویت‌کردن
- **brain** (n.) مغز
- **catch** (v.) گرفتن
- **careful** (adj.) دقیق، محتاط
- **check** (v.) چک‌کردن، بررسی‌کردن
- **close** (adj.) صمیمی، نزدیک
- **cure** (v.) (n.) مداواکردن، معالجه
- **dedicated** (adj.) متعهد، دلسوز
- **diploma** (n.) دیپلم
- **disease** (n.) بیماری
- **distinguished** (adj.) شناخته‌شده، متمایز، برجسته
- **donate** (v.) اهداکردن
- **each other** (pro.) یکدیگر
- **elderly** (adj.) سالمند
- **excuse** (v.) معذرت‌خواستن
- **fact** (n.) واقعیت، حقیقت
- **famous** (adj.) مشهور، معروف
- **flu** (n.) آنفلوانزا
- **following** (adj.) زیر، بعدی
- **found** (v.) تأسیس‌کردن
- **friendly** (adj.) دوستانه
- **function** (n.) عملکرد
- **generous** (adj.) سخاوتمند
- **great** (adj.) بزرگ
- **guess** (v.) حدس‌زدن
- **have to** (v.) مجبوربودن
- **helpful** (adj.) مفید
- **homeland** (n.) وطن
- **improve** (v.) بهبودیافتن
- **increase** (v.) افزایش‌یافتن
- **interesting** (adj.) جالب
- **kind** (adj.) مهربان
- **kindness** (n.) مهربانی
- **known** (adj.) شناخته‌شده
- **lazy** (adj.) تنبل
- **life** (n.) زندگی
- **lives** (n.) زندگی‌ها
- **loving** (adj.) محبت‌آمیز
- **lower** (v.) کم‌کردن، کاستن
- **match** (n.) (v.) مسابقه، کبریت، جورکردن
- **medical** (adj.) پزشکی
- **medicine** (n.) دارو، پزشکی
- **member** (n.) عضو
- **memory** (n.) حافظه، خاطره
- **might** (modal verb) ممکن است
- **orally** (adv.) به‌طور شفاهی
- **others** (adv.) دیگران
- **photograph** (n.) عکس
- **physician** (n.) پزشک
- **polite** (adj.) مودب
- **positive** (adj.) مثبت
- **pressure** (n.) فشار
- **professor** (n.) پروفسور
- **really** (adv.) واقعاً
- **regard** (v.) در نظر گرفتن
- **sense** (n.) حس
- **spare** (v.) (n.) مضایقه‌کردن، یدک
- **start** (v.) (n.) شروع‌کردن، شروع
- **stay** (v.) ماندن
- **strength** (n.) قدرت، توان
- **such a** (det.) چنین
- **successful** (adj.) موفق
- **teenager** (n.) نوجوان
- **terrible** (adj.) وحشتناک
- **thousand** (n.) هزار
- **textbook** (n.) کتاب درسی
- **What a pity!** (idiom.) چه حیف!

توضیحی دربارهٔ بخش collocation در این کتاب:

سلام و درود!

تا به حال اسم collocation را شنیده‌ای؟! حتماً در زبان شیرین فارسی. اصطلاحات و ترکیباتی مثلِ: «پدرم دراومد» و «مو از ماست کشیدن» را شنیده‌ای. در زبان انگلیسی به این ترکیبات collocation گفته می‌شود: یعنی کلمات همایند یا هم‌نشین. دانستن کلمات هم‌نشین برای دانش‌آموزان بسیار ضروری است؛ در امتحانات نهایی در بخش عمده‌ای از سؤالات «جای‌گذاری لغات» و «با دانش خود کامل کنید» از همین نوع اصطلاحات می‌آید. ما در این کتاب، کلی کلمات هم‌نشین آورده‌ایم تا هم دامنهٔ لغات شما را بالا ببریم و هم مشکل امتحانات مدرسه‌ای و نهایی شما را حل کنیم. لطفاً تا این اصطلاحات را یاد نگرفتی تمرین‌هایش را حل نکن! در ضمن اصطلاحات قرمز فراتر از حد کتاب درسی است.

Collocations

- be born in — متولدشدن در
- found a center — تأسیس کردن یک مرکز
- close friend — دوست صمیمی
- be regarded as — در نظر گرفته‌شدن به عنوان
- teach medicine — تدریس کردن پزشکی
- oral question — سؤال شفاهی
- spare no pain — از هیچ کوششی دریغ‌نکردن
- be friendly to sb — صمیمی‌بودن با کسی
- distinguished physician — پزشک برجسته
- practice medicine — طبابت‌کردن
- by the way — در ضمن، راستی
- medical center — مرکز پزشکی
- not surprisingly — جای تعجب نیست که
- receive diploma — دیپلم گرفتن
- as a matter of fact — در حقیقت

- blood pressure — فشار خون
- take advice — پندگرفتن، پذیرفتن توصیه
- improve one's life — بهبودبخشیدن زندگی کسی
- have a good memory — حافظهٔ خوبی داشتن
- the following sentences — جملات زیر
- team members — اعضای تیم
- donate money — اهداکردن پول
- positive answer — پاسخ مثبت
- a loving family — یک خانوادهٔ بامحبت
- catch the flu — آنفلوانزا گرفتن
- stay awake — بیدار ماندن
- take one's temperature — دمای بدن کسی را گرفتن
- sense of appreciation — حس قدردانی

- lower one's voice — پایین‌آوردن صدای خود
- elderly people — افراد سالمند
- take care of sb — مراقبت‌کردن از کسی
- brain function — عملکرد مغز
- match sth with sth — وصل‌کردن چیزی به چیزی
- family members — اعضای خانواده
- donate blood — اهدا کردن خون
- appropriate time — زمان مناسب
- negative reaction — واکنش منفی
- medical center — مرکز پزشکی
- catch a bus / train — سوار اتوبوس/قطار شدن
- stay calm — آرام‌ماندن
- be sure about s.th sb.sth — مطمئن‌شدن دربارهٔ چیزی

دانش‌آموزان عزیز، نام چهار نفر از افراد مشهور در کتاب دانش‌آموز ذکر شده و احتمال این‌که در سؤالات نهایی از آن‌ها استفاده شود خیلی زیاد است. مخصوصاً در پاراگراف‌نویسی که موضوع درس سوم است. پس این شما و این هم بخش کوچکی از زندگی‌نامهٔ این مردان بزرگ.

Why are these people important? — **چرا این افراد مهم هستند؟**

Rizali Khajavi	Hassan Omidzadeh	Jabbar Baghcheban	Abbass Babaee

Rizali Khajavi (Dehghan-e-Fadakar) is known as a national hero and his story is taught in Iranian schools. In a cold winter, he took off his coat, tied it to a stick and set it on fire while running toward an express train and screaming danger to draw the train driver's attention to the landslide. The driver managed to stop the train and a tragic accident was prevented.

hero	tie	express	scream	landslide	manage	tragic
قهرمان	گره‌زدن	سریع‌السیر	دادزدن	رانش کوه	توانستن	غم‌انگیز

ریزعلی خواجوی (دهقان فداکار) به‌عنوان یک قهرمان ملی شناخته می‌شود و داستان او در مدارس ایرانی تدریس می‌شود. در یک زمستان سرد، او در حالی‌که به سمت قطار سریع‌السیر می‌دوید و فریاد می‌زد «خطر» تا رانندهٔ قطار را متوجه رانش کوه بکند، کتش را در آورد، آن را به چوب بست و آتش زد. رانندهٔ قطار توانست قطار را متوقف کند و از یک تصادف غم‌انگیز جلوگیری شد.

Hassan Omidzadeh was a devoted teacher who worked in a primary school in a small village in the north of Iran. One day the school caught fire and his 30 students were stuck in the fire. He risked his life to save the kids. He was severely burnt and struggled with the injuries of the burn wounds for many years. He passed away 15 years after the accident.

devoted	primary	be stuck in	risk	severely	struggle	injury	wound
فداکار	ابتدایی	گیرافتادن	ریسک‌کردن	به شدت	مبارزه کردن	جراحت	زخم

حسن امیدزاده معلّم فداکاری بود که در یک مدرسهٔ ابتدایی در روستای کوچکی در شمال ایران کار می‌کرد. روزی مدرسه آتش گرفت و ۳۰ دانش‌آموز او در آتش‌گیر افتاده بودند. او زندگی خود را به خطر انداخت تا بچه‌ها را نجات دهد. او به‌شدت سوخت و با زخم‌های ناشی از سوختگی تا سالیان زیادی در مبارزه بود. او پانزده سال بعد از آن حادثه درگذشت.

Jabbar Baghcheban is well-known for opening the first Iranian kindergarten and the first deaf school for Iranian kids. He is the author of the book *Method of Teaching the Deaf* in which he explained his unique method of teaching the deaf, known as 'oral hand alphabet system'. He devoted his life to speech training of Iranian deaf students. Now, there are plenty of Baghcheban schools all around the country for deaf kids.

opening	kindergarten	deaf	author	unique	speech training	plenty	all across
افتتاحیه	کودکستان	ناشنوا	نویسنده	منحصربه‌فرد	گفتاردرمانی	زیاد	در سرتاسر

جبار باغچه‌بان به‌خاطر تأسیس اولین کودکستان ایرانی و اولین مدرسهٔ ناشنوایان برای بچه‌های ایرانی شناخته شده است. او نویسندهٔ کتاب «روش تدریس ناشنوایان» است که در آن روش منحصربه‌فرد خود در تدریس به ناشنوایان را، که به عنوان«سیستم الفبایی دستی‌شفاهی» شناخته شده است، توضیح می‌دهد. او زندگی خودش را وقف آموزش گفتاردرمانی به دانش‌آموزان ناشنوای ایرانی کرد. اکنون تعداد زیادی از مدارس باغچه‌بان در سرتاسر ایران برای بچه‌های ناشنوا وجود دارد.

Abbas Babaei is known as one of the greatest war heroes of Iran. He was an Air Force pilot. During the Iran-Iraq War, he took part in several successful missions to defend our country. Babaei was martyred when he was returning from one of his missions on the day of Qorban Eid.

Air Force	war	take part in	mission	martyr
نیروی هوایی	جنگ	شرکت‌کردن در	مأموریت	شهید شدن

عباس بابایی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قهرمانان جنگی ایران شناخته می‌شود. او خلبان نیروی هوایی بود. در طی جنگ ایران و عراق او در چندین مأموریت موفق برای دفاع از کشورمان شرکت کرد. بابایی هنگام بازگشت از یکی از مأموریت‌هایش در روز عید قربان به شهادت رسید.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

• **actually** (adv.)	در واقع	• **grandchild** (n.)	نوه	• **pigeon** (n.)	کبوتر
• **aloud** (adv.)	با صدای بلند	• **happen** (v.)	اتفاق افتادن	• **politely** (adv.)	مؤدبانه
• **burst** (v.)	ترکیدن	• **heavy** (adj.)	سنگین	• **practice** (v.)	تمرین‌کردن
• **calmly** (adv.)	به آرامی	• **hug** (v.)	بغل‌کردن	• **process** (n.)	فرایند، جریان
• **common** (adj.)	مشترک، رایج	• **keep** (v.)	نگه‌داشتن، ادامه‌دادن	• **provide** (v.)	فراهم‌کردن، تأمین‌کردن
• **comprehension** (n.)	درک مطلب	• **kiss** (v.)	بوسیدن	• **quantity** (n.)	کمیّت
• **collocation** (n.)	همایند، هم‌نشین	• **lap** (n.)	پا، بغل، دامان، آغوش	• **quiet** (adj.)	آرام
• **column** (n.)	ستون	• **later** (adv.)	بعداً	• **quietly** (adv.)	به‌آرامی
• **description** (n.)	توصیف	• **lovingly** (adv.)	بامحبت	• **reason** (n.)	دلیل
• **develop** (v.)	توسعه‌دادن	• **loud** (adj.)	بلند	• **record** (n.) (v.)	ثبت، ثبت‌کردن
• **diary** (n.)	دفترچهٔ یادداشت روزانه	• **main** (adj.)	اصلی، عمده	• **repeatedly** (adv.)	به‌طور مکرر
• **feed** (v.)	غذا دادن به	• **native** (adj.)	بومی	• **reply** (v.)	پاسخ‌دادن
• **feeling** (n.)	احساس	• **normal** (adj.)	نرمال، عادی	• **respect** (n.) (v.)	احترام، احترام‌گذاشتن
• **forgive** (v.)	بخشیدن	• **once** (adv.)	زمانی	• **second** (n.) (adj.)	ثانیه، دوم
• **generate** (v.)	تولیدکردن	• **page** (n.)	صفحه	• **shout** (v.)	فریادزدن
• **generation** (n.)	نسل، تولید، ایجاد	• **pause** (n.)	مکث	• **skim** (v.)	مرور سریع کردن

• sofa (n.)	مبل	• strategy (n.)	استراتژی، راهبرد	• third (adj.)	سوم
• sound (v.)(n.)	به نظر رسیدن، صدا	• step (n.)	گام	• thought (n.)	اندیشه
• spring (n.)	بهار	• suddenly (adv.)	به‌طور ناگهانی		
• starter (n.)	شروع‌کننده	• text (n.)	متن		

Collocations

• sit on the sofa	نشستن روی مبل	• on the other hand	از طرف دیگر	• care for sb	مراقب کسی بودن
• shout at sb	دادزدن سر کسی	• quick meal	غذای آماده	• native speaker	گویندهٔ بومی
• sit on one's lap	نشستن روی پای کسی	• do exercise	تمرین کردن، ورزش کردن	• main ideas	ایده‌های اصلی
• talk politely	مؤدبانه صحبت‌کردن	• on the right	در سمت راست	• refer to	اشاره‌داشتن به
• speak calmly	به آرامی صحبت‌کردن	• hug sb	بغل‌کردن کسی	• sound right	درست به نظر رسیدن
• keep a diary	ثبت کردن یادداشت‌های روزانه	• feed the pigeons	غذادادن به کبوتران	• fast food	فست‌فود
• read a newspaper	خواندن روزنامه	• speak louder	بلندتر صحبت‌کردن	• make a mistake	اشتباه‌کردن
• be hard of hearing	سنگین‌بودن گوش	• burst into tears	ترکیدن بغض	• on the left	در سمت چپ
• read aloud	بلندخواندن	• be angry with	از دست کسی عصبانی‌بودن	• look for sth	جست‌وجو کردن
• reading strategy	استراتژی خواندن	• record one's thought	ثبت کردن اندیشهٔ خود	• feel well	حال خوش داشتن
• generate question	ایجادکردن / ایجاد سؤال	• on a spring morning	در یک صبح بهاری	• hard of hearing	سنگین‌گوش
• go together	با هم آمدن (همایند بودن)	• open a page	صفحه‌ای را بازکردن	• strong wind	باد قوی (شدید)
		• heavy rain	باران شدید		

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

• accidentally (adv.)	به‌طور تصادفی	• doer (n.)	انجام‌دهنده	• laptop (n.)	لپ‌تاپ
• activity (n.)	فعالیت	• during (prep.)	در طی	• language (n.)	زبان
• agreement (n.)	توافق، موافقت	• education (n.)	آموزش، تحصیل	• light bulb (n.)	لامپ روشنایی
• author (n.)	نویسنده	• either ... or ... (conj.)	یا ... یا	• mention (n.) (v.)	تذکر، ذکرکردن، نام بردن
• belong (v.)	تعلق‌داشتن به	• elicit (v.)	بیرون‌کشیدن، استنباط‌کردن	• moral (adj.)	اخلاقی
• belonging (n.)	متعلقات	• emotion (n.)	عاطفه	• on top of (expr.)	در بالای، در صدرِ
• blessing (n.)	نعمت، برکت	• enjoyable (adj.)	لذت‌بخش	• ordinary (adj.)	عادی، معمولی، متداول
• bring (v.)	آوردن	• ethic (n.)	اخلاق	• pancake (n.)	نان شیرینی
• boring (adj.)	خسته‌کننده	• find (v.)	پیداکردن	• pass (v.)	قبول‌شدن، گذشتن
• cancer (n.)	سرطان	• fix (v.)	تعمیرکردن	• peaceful (adj.)	صلح‌آمیز
• childhood (n.)	دوران کودکی	• guideline (n.)	خط مشی، راهنما	• pink (adj.)	صورتی
• choice (n.)	انتخاب	• happen (v.)	اتفاق‌افتادن	• poet (n.)	شاعر
• collection (n.)	مجموعه	• health (n.)	سلامت، سلامتی	• poetry (n.)	فن شاعری
• combination (n.)	ترکیب	• hate (v.)	تنفرداشتن	• principle (n.)	اصل
• combine (v.)	ترکیب‌کردن	• heritage (n.)	میراث	• product (n.)	محصول، فراورده
• comfortable (adj.)	راحت	• hope (v.)	امیدواربودن	• protect (v.)	محافظت‌کردن
• compound (adj.)	مرکب	• housewife (n.)	(زن) خانه‌دار	• proud (adj.)	مغرور، مفتخر
• condition (n.)	شرط	• hungry (adj.)	گرسنه	• quite (adv.)	کاملاً
• confirm (v.)	تأییدکردن	• importantly (adv.)	مهم این‌که، به‌طور مهم	• rarely (adv.)	به‌ندرت
• contrast (n.)	تضاد، تقابل	• including (pre.)	من‌جمله، از قبیل، شامل	• regarding (prep.)	راجع به، در خصوص
• create (v.)	خلق‌کردن، ایجادکردن	• inspiration (n.)	الهام	• religious (adj.)	مذهبی
• culture (n.)	فرهنگ	• install (v.)	نصب‌کردن	• remember (v.)	به خاطر سپردن
• difference (n.)	تفاوت، تمایز	• interestingly (adv.)	جالب این‌که، به‌طور جالبی	• replace (v.)	جایگزین‌کردن
• discover (v.)	کشف‌کردن	• invent (v.)	اختراع‌کردن	• result (n.)	نتیجه
• dishwasher (n.)	ظرف‌شور، ماشین ظرفشویی	• inventor (n.)	مخترع	• rule (n.)	مقررات، قانون

• scientist (n.)	دانشمند	• special (adj.)	خاص، ویژه	• value (n.)	ارزش
• serious (adj.)	جدی	• simple (adj.)	ساده	• willing (adj.)	مشتاق
• signal (n.)	علامت	• suitable (adj.)	مناسب	• wear (v.)	پوشیدن
• similar (adj.)	شبیه، یکسان	• technology (n.)	تکنولوژی، فناوری	• weave (v.)	بافتن
• smart (adj.)	هوشمند	• tool (n.)	ابزار	• wonderful (adj.)	شگفت‌انگیز
• solution (n.)	راه‌حل	• translate (v.)	ترجمه‌کردن	• wrong (adj.)	نادرست، غلط
• sometime (adv.)	گاه‌گاهی	• uncertainty (n.)	عدم اطمینان، تردید		

Collocations

• receive education	دریافت کردن آموزش	• at least	حداقل	• ordinary people	افراد عادی
• translate into	ترجمه‌کردن به	• make an omelet	املت درست‌کردن	• write an email	نوشتن ایمیل
• fix the car	تعمیر کردن ماشین	• make a choice	انتخاب‌کردن	• pass the exam	قبول شدن در امتحان
• find solution	یافتن راه حل	• wear dress	لباس‌پوشیدن	• signal uncertainty	نشان دادن عدم‌اطمینان
• passive voice	وجه مجهول	• sense of belonging	حس تعلق	• be wrong with sb/sth	برای کسی/ چیزی مشکل پیش آمدن
• smart phone	گوشی هوشمند	• learn by heart	از برکردن، حفظ‌کردن	• compound sentence	جملهٔ مرکب
• for instance	به عنوان مثال	• around the world	در سرتاسر جهان	• simple sentence	جملهٔ ساده
• do experiment on	آزمایش‌کردن روی	• discover penicillin	کشف پنی‌سیلین	• make a difference	تفاوت ایجادکردن
• computer games	بازی‌های کامپیوتری	• cure cancer	درمان کردن سرطان	• take a rest	استراحت‌کردن
• mention the doer	ذکرکردن کنندهٔ کار	• develop a product	توسعه‌دادن یک‌محصول	• be proud of	افتخارکردن به
• weave a carpet	فرش‌بافتن	• by accident	تصادفی	• sense of identity	حس هویت
• elicit agreement	موافقت گرفتن	• microwave oven	فر ماکروویو	• set of rules	مجموعه مقررات
• confirm facts	تأیید کردن حقایق	• at all	به هیچ وجه، اصلاً		
• health condition	شرایط سلامتی				

دستور زبان Grammar

برای دریافت محتوای تکمیلی گرامر این رمزینه را اسکن کنید.

وجه مجهول

با شعری از سیمین بهبهانی شروع می‌کنیم:

بچه‌ها صبحتان بخیر، سلام — درس امروز فعل مجهول است

فعل مجهول چیست می‌دانید؟ — «نسبت فعل ما به مفعول است»

جملهٔ معلوم جمله‌ای است که دارای فاعل، فعل (متعدی) و مفعول باشد

می‌رویم سراغ یک شعر از حکیم ابوالقاسم فردوسی که دارای فاعل و فعل و مفعول است:

به روز نبرد آن یل ارجمند — به شمشیر و خنجر به گرز و کمند

برید و درید و شکست ببست — یلان را سر و سینه و پا و دست

فعل (متعدی)	مفعول
برید	سر
درید	سینه
شکست	پا
بست	دست

نکته ۱: فعل‌های لازم هیچ‌گاه مجهول **نمی‌شوند** چون نیاز به مفعول ندارند.

go	dance	sing	live	be	sound
رفتن	رقصیدن	آوازخواندن	زندگی‌کردن	بودن	به نظر رسیدن
travel	have	sit	stand	rest	fly
سفرکردن	داشتن	نشستن	ایستادن	استراحت‌کردن	پروازکردن

نکته۲: هر فعلِ متعدیِ بدونِ مفعول، مجهول است.

نکته۳: اگر کاری را به مفعول نسبت بدهیم، جمله حتماً مجهول است.

طریقهٔ تبدیل معلوم به مجهول

۱ مفعول جملهٔ معلوم را به ابتدای جمله می‌آوریم و در صورت وجود ضمایر فاعلی، آن‌ها را به ضمایر مفعولی تبدیل می‌کنیم.

ضمایر فاعلی	I	you	he – she – it	we	you	they
ضمایر مفعولی	me	you	him – her – it	us	you	them

۲ فعل to be متناسب با زمان جملهٔ معلوم می‌آوریم.

حال ساده	گذشتهٔ ساده	آیندهٔ ساده	افعال وجهی	ماضی نقلی (حال کامل)	ماضی بعید
am / is / are	was / were	be	be	been	been

۳ قسمت سوم (past participle) فعل اصلی را می‌آوریم.

افعال بی‌قاعدهٔ کلیدی و ضروری برای امتحانات نهایی (دانش‌آموزان عزیز، برای تسلط بیشتر لطفاً به لیست کامل این افعال در صفحهٔ ۱۵۹ مراجعه فرمایید.)

ساده	گذشته ساده	اسم مفعول	معنی
know	knew	known	دانستن / شناختن
be (am / is / are)	was / were	been	بودن
learn	learnt / learned	learnt / learned	یاد گرفتن
make	made	made	ساختن، وادارکردن
break	broke	broken	شکستن
find	found	found	پیداکردن
write	wrote	written	نوشتن
buy	bought	bought	خریدن
read	read	read	خواندن
do	did	done	انجام‌دادن
pay	paid	paid	پرداختن
see	saw	seen	دیدن
tell	told	told	گفتن
go	went	gone	رفتن
fly	flew	flown	پروازکردن
give	gave	given	دادن
have / has	had	had	داشتن / خوردن
grow	grew	grown	رشدکردن / شدن
keep	kept	kept	نگه‌داشتن / ادامه‌دادن
speak	spoke	spoken	صحبت‌کردن
steal	stole	stolen	دزدیدن
forget	forgot	forgotten	فراموش‌کردن
take	took	taken	بردن / طول‌کشیدن
get	got	got / gotten	شدن / به دست آوردن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	افتادن
quit	quit / quitted	quit / quitted	ترک کردن / تسلیم شدن

ترجمه:

- اگر شما درس‌هایتان را خیلی جدی بخوانید، شما آن‌ها را با موفقیت می‌گذرانید، این‌طور نیست؟
- شیرین به ما کمک می‌کند، اگر از او بخواهیم، این‌طور نیست؟

نکته۴: اگر قبل از جمله اصلی توضیح بیشتری را بیاوریم در سؤال تأکیدی استفاده نمی‌شود.

مثال:

- I am sure Reza will pass the exam, won't he?

تأثیری در سؤال تأکیدی ندارد

ترجمه:

- من مطمئن هستم رضا در امتحان قبول خواهد شد، مگر نه؟

نکته۵: هر فعلی که در سوم شخص مفرد {he / she / it} دارای s یا es نباشد زمان گذشته ساده است.

مثال:

- Roya read the book carefully, didn't she?

(زمان گذشته)

ترجمه: رویا کتاب را با دقت خواند، مگر نه؟

نکته۶: اگر یکی از کلمات مبهم nothing / everything / anything / something در جمله وجود داشته باشد در سؤال تأکیدی از ضمیر it استفاده می‌کنیم.

(هیچ‌چیز / هرچیز / هرچیز / چیزی)

مثال:

- Something should be done about airpollution, shouldn't it?

ترجمه:

- چیزی باید دربارهٔ آلودگی هوا انجام شود، مگر نه؟

نکته۷: مخففها در جملات تأکیدی

مثال:

✅ 's + p.p یا فعل + ing ⇒ is

- She's taken to school every day, isn't she? (جملهٔ مجهول)

- او هر روز به مدرسه برده می‌شود، مگر نه؟

- She's watching TV, isn't she? (جملهٔ معلوم)

- او در حال تماشا کردن تلویزیون است، مگر نه؟

✅ 'd + شکل سادهٔ فعل ⇒ would

- They'd like to learn French, wouldn't they?

- آن‌ها دوست دارند زبان فرانسه را یاد نگیرند، مگر نه؟

✅ 'd + p.p (past participle) ⇒ had + p.p

- She'd moved to Japan, hadn't she?

- او به ژاپن نقل مکان کرده بود، مگر نه؟

Writing نگارش

جملات مرکب

حروف ربط عبارت‌اند از: (and, but, or, so)

حروف ربط برای پیونددادن دو جملهٔ ساده به‌کار می‌روند. (جملهٔ دوم + حرف ربط + کاما + جملهٔ اول)

۱ **حرف ربط and (و):** برای بیان کارهای مشابه استفاده می‌شود.

مثال:

- I get up early in the morning. I make an omelet myself.
- I get up early in the morning, and I make an omelet myself.

ترجمه:

- من صبح زود بیدار می‌شوم. من برای خودم املت درست می‌کنم.
- من صبح زود بیدار می‌شوم و برای خودم املت درست می‌کنم.

۲ **حرف ربط but (اما):** برای بیان تضاد و تفاوت استفاده می‌شود. (یعنی جملهٔ دوم در تضاد با جملهٔ اول است.)

مثال:

- The book was boring. Tom had to read the book.
- The book was boring, but Tom had to read it.

ترجمه:

- کتاب خسته‌کننده بود. تام مجبور بود کتاب را بخواند.
- کتاب خسته‌کننده بود، اما تام مجبور بود آن را بخواند.

۳ **حرف ربط or (یا):** برای انتخاب یک مورد از بین دو گزینه استفاده می‌شود.

مثال:

- You should do your homework. You should wash the dishes.
- You should do your homework, or (you should) wash the dishes.

ترجمه:

- شما باید تکالیفتان را انجام دهید. شما باید ظرف‌ها را بشویید.
- شما باید تکالیفتان را انجام دهید، یا شما باید ظرف‌ها را بشویید.

۴ **حرف ربط so (در نتیجه):** بیانگر این است که جملهٔ دوم نتیجهٔ جملهٔ اول است.

مثال:

- Saeed studied hard for the exam. Saeed passed the exam.
- Saeed studied hard for the exam, so he passed it.

ترجمه:

- سعید برای امتحان جدی مطالعه کرد. سعید امتحان را پاس کرد.
- سعید برای امتحان جدی مطالعه کرد، در نتیجه او آن را پاس کرد.

سؤالات امتحانی Exam Questions

Title Page, Get Ready, Conversation

۱ **در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافی است.)**

(advice / elderly / lower / pressure / sense / strength / successful)

1. He was under ..... to do his homework.
2. Please ..... your voice. I am busy studying.
3. Teenagers who help others are ..... in their lives.
4. We should help ..... people in doing their daily activities.
5. Listening to the ..... of older people can improve our lives.
6. Roya has a good ..... of appreciation. That's why her parents love her.

(appropriate / behavior /donate / function / kindness / improve / increase)

7. We must ..... blood to those who need it.
8. The ..... of the heart is to send blood all over the body.
9. We need to ..... our living conditions to the highest level.
10. We should learn the social ..... of the people who speak a language.
11. Did you know that ..... boosts energy and strength in elderly people?
12. They are going to ..... the working hours from 35 to 40 hours in the near future.

(cruel / famous / member / polite / positive / respect / take care of)

13. He is an active ..... of our club.
14. It is ..... to keep the birds in the cages.
15. He is a ..... person. All the people know him.
16. If teachers ..... their students, they will learn to do so.
17. It is not ..... to ask how much money one earns in English.
18. My mother told us to ..... ourselves while climbing the mountain.

(abroad / center / guess / lazy / physician / temperature / terrible)

19. Dr. Hesabi went ..... to continue his studies.
20. Most of the people like to be at the ..... of attention.
21. The highest ..... is reported from Ahvaz during the past 24 hours.
22. He caught a(n) ..... flu , so he couldn't attend his English class.
23. Can you ..... which football team will win the final game?
24. Dr. Gharib became a(n) ....., and came back to his homeland in 1316.

(dedicated / found / lovely / regarded / sure / receive / unconditionally)

25. Parents love their children ..... .
26. At what age did you .....your diploma?
27. Not surprisingly, he was regarded as a ..... physician.
28. Did Dr. Gharib ..... the first Children's Medical Center in Iran?
29. She said that her ..... son repeated the same question 15 times.
30. They were ..... that they would pass their final exam successfully.

۲ در هر بخش با توجه به تصاویر داده‌شده، جملات زیر را بخوانید و جملهٔ مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (در بخش دوم، یک جمله اضافی است.)

a	b	c	d

31. Children should respect their parents.
32. We have to take care of elderly people.
33. Family members should listen to each other.
34. We can help many people by donating what they need.

a	b	c	d

35. Family members are interested in studying.
36. The brain can record a large amount of information.
37. This Persian textbook reminds me of school years.
38. Kindness boosts energy and strength in elderly people.
39. The man needs to be taken care of because of backache.

۳ برای هر تعریف داده‌شده در ستون A، یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)

A	B
40. how hot or cold a thing or a place is	a) blood
41. an understanding about something	b) teenager
42. the middle point or part of something	c) temperature
43. a course of study at a college or university	d) medicine
44. a person who is between 13 and 19 years old	e) physician
45. a doctor, especially one who is a specialist in general medicine	f) center
46. the red liquid that flows through the bodies of humans and animals	g) diploma
	h) sense

۴ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

47. He got ..... scores than the other students in her class. That's why he is unhappy.
a) better b) higher c) lower d) nicer

48. They have ..... the prices in this store.
a) destroyed b) donated c) cared d) increased

49. Parents should be ..... by their children.
a) respected b) selected c) followed d) checked

50. They are trying to ..... their living conditions.
a) describe b) improve c) appreciate d) function

51. She doesn't feel well. We must ..... her temperature.
a) get b) make c) do d) take

52. The first children's medical ..... was founded by Dr. Gharib in 1347.
a) center b) textbook c) disease d) research

53. This school was built by a ..... man. He donated $ 100, 000.
a) serious b) generous c) famous d) cruel

54. He ..... no pains to help his countrymen who were in bad conditions.
a) spared b) cured c) regarded d) received

55. Thousands of students are taught ..... by this distinguished physician.
a) diploma b) disease c) medicine d) temperature

Collocations

۵ جاهای خالی جملات زیر را با در نظر گرفتن کلمات هم‌نشین کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده است.)

56. We have to speak louder, because my grandfather is **h** - - - of hearing. (خرداد ۹۸)
57. Dr. Gharib was regarded as a **d** - - - - - - - - physician and he spared no pains to help sick people. (خرداد ۹۸)
58. Some animals like dogs have a very good **s** - - - - of smell. (دی ۱۴۰۱)
59. He has a good **m** - - - - - . He never forgets anything.
60. The teacher told us to answer the questions **o** - - - - -, not in written form.
61. He was taken to the hospital because of his high **b** - - - - pressure.
62. **Ailin:** Are you **s** - - - about it?
Maha: No, I'm only guessing.
63. We must take care of **e** - - - - - - people. They need care and attention.
64. The team **m** - - - - - - promised to do their best to win the match.
65. Have you seen Dr. Gharib TV **s** - - - - -?
66. The teacher asked us to **m** - - - - the pictures with the sentences.
67. Who takes **c** - - - of your children when you are out at work?
68. The doctor **t** - - - my temperature and said there was no problem.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۶ در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافه است)

(diary / forgive / calmly / record / repeatedly / tears / thought)

69. I have kept a ..... for twelve years.
70. Please ..... me for not taking you seriously.
71. The brain can ..... a large amount of information.
72. My sister burst into ..... when she saw her score.
73. I've told my children ..... to talk politely to their teachers.
74. He spoke so ..... about the accident that we were surprised.

(actually / keep / lovingly / quietly / reply / shout)

75. The old woman hugged her son ..... .
76. I said good morning to him, but he didn't ..... .
77. He left the meeting ..... without saying anything.
78. It isn't necessary to ..... . My ears are as good as yours.
79. Why do you ..... asking me the same question repeatedly?

143. **I had no ..... why he left the meeting without saying goodbye.**
a) skill b) idea c) nature d) way

144. **The question ..... by the teacher was hard to answer.**
a) matched b) combined c) provided d) skimmed

145. **If you don't send me the ....., I can't attend the meeting.**
a) attention b) appreciation c) function d) location

146. **It is not ..... to read in a dark room.**
a) important b) necessary c) possible d) meaningful

147. **A collocation is two or more words that often ..... together.**
a) go b) do c) stay d) get

Reading

Respect Your Parents

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

148. What season was it?
149. Where was the old woman sitting?
150. What was her young son doing?
151. Where did the pigeon sit?

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?"The son said, "Mom, I have just told you, It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?''

152. What does "**this**" refer to?
153. How many times did the old woman ask the same question?
154. Why did the boy shout at his mother?

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

155. Where did the old woman go?
156. What did she bring?
157. When did she buy the diary?
158. What did the old woman ask her son to do?
159. How did the boy read the diary?

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

160. Where was the little son sitting?
161. How many times did the old woman answer her son's question?
162. How did she hug her son?
163. Was the son's mother angry with him because of the questions?

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

164. Who burst into tears?
165. Did he ask his mother to forgive him?
166. What did his mother do?
167. What did his mother say?

درک مطلب کوتاه

۱۲ متن هر قسمت را بخوانید و با توجه به مفهوم، گزینهٔ صحیح را انتخاب کنید.

Elders have a lot to share with us such as their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus, we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

168. **We have to care for our elders because ..... .** (خرداد ۱۴۰۲)

a) their failures are less important

b) they respect us as their teachers

c) they share their life experience with us

d) their successes are not important

169. **If today we respect our elders, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.** (شهریور ۱۴۰۲)

a) Children carry more values than elders.

b) Elders respect us more than children.

c) Children will carry elders when they grow old.

d) When we respect elders, our children learn to respect us.

Grammar , Listening and Speaking , Writing , What You Learned

۱۳ در هر بخش جاهای خالی جملات زیر را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافی است.)

(author / collection / countless / heart / inspiration / poets / special)

170. Do you know which ..... has written "The Old Man and the Sea"?

171. Hafez is known to be as one of the most famous Persian ..... of all time.

172. Hafez is mostly remembered for a ..... type of poetry that is called Ghazal.

173. Ferdowsi is known to be the ..... for many poets and authors around the world.

174. Tahereh Saffarzadeh began to learn the Holy Quran by ..... when she was 8 years old.

175. The Holy Quran has been translated into ..... languages including German, English and French.

(create / cure / discover / ordinary / product / solution / spare)

176. This kind of laptop is a new ..... of China.

177. Scientists are not ..... people like you and me.

178. Scientists have not found a way to ..... cancer yet.

179. Did Alexander Fleming ..... penicillin or someone else ?

180. They want to ..... more jobs for the young people in this area.

181. The teacher wanted to know who knew the ..... to that math problem.

(agreement / condition / confirm / elicit / uncertainly / weave / wrong)

182. What's ..... with you? Are you sick?

183. My brother will ..... what I have told you.

184. She said she was in quite ..... with what I did.

185. It took her a long time to ..... that pretty carpet.

186. He was in good ..... , although he was 95 years old.

187. He answered her question quite ..... . He was not sure about it.

Collocations

۱۴ کلمات ستون A را به کلمات مناسب از ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌نشین)

A	B
188. receive	a) a solution
189. learn	b) a product
190. sense	c) cancer
191. find	d) accident
192. cure	e) education
193. develop	f) oven
194. by	g) the exam
195. microwave	h) agreement
196. pass	i) of identity
197. elicit	j) by heart

۱۵ کلمات ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌نشین)

A	B
198. future	a) condition
199. compound	b) a dictionary
200. wear	c) proud of
201. comfortable	d) of belonging
202. be	e) of rules
203. sense	f) a dress
204. a set	g) a failure
205. install	h) plans
206. experience	i) shoes
207. health	j) sentences

۱۶ جاهای خالی جملات زیر را با استفاده از دانش خود به انگلیسی کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده است.)

208. I **h** - - - John because he is selfish.

209. "But" is used for showing **c** - - - - - - - .

210. I am **w** - - - - - - to help you with English.

211. He was so **h** - - - - - that he ate three bowls of soup.

212. They found a peaceful **s** - - - - - - - to the problem.

213. The **i** - - - - - - - of the dead man is not known by the police.

214. We have much to learn from our parents **r** - - - - - - - - our heritage.

215. The **r** - - - - - of the research shows that housewives are the biggest group of TV viewers.

۱۷ مناسب‌ترین گزینه را از نظر مفهومی انتخاب کنید.

216. Emotions and ..... are used in Ghazals by Hafez a lot.

a) ethics b) tablets c) tools d) rules

217. This poet drew his ..... from nature.

a) conversation b) development c) inspiration d) translation

218. Did you know that radio was ..... by an Italian scientist called "Marconi"?

a) discovered b) invented c) matched d) selected

219. Which communication power ..... do you use when making a speech?

a) texts b) points c) choices d) tools

220. Mr. Ahmadi is a ..... man. He knows the Holy Quran by heart.

a) serious b) religious c) special d) countless

221. The ..... system in Finland is the best one in the world, because their students enjoy learning.

a) collection b) emotion c) education d) poetry

222. It is a(n) ..... that he knows several languages.

a) blessing b) heritage c) guideline d) belonging

223. There is a weak ..... that he can help us.

a) attendance b) difference c) combination d) possibility

224. The doctors are ..... his health conditions. I hope it isn't something serious.

a) checking b) explaining c) mentioning d) following

225. These tests are based ..... the vocabulary, not grammar.

a) in b) at c) on d) of

Grammar

۱۸ شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.

226. The robber ..... by the police yet. (find)

227. I have two birds. They ..... in the cage. (keep)

228. Pancakes ..... by my mother yesterday. (make)

229. Hafez ..... throughout the world, isn't he? (know)

230. Blood pressure is ..... by helping the others. (lower)

231. My mother was ..... lunch when we got home. (cook)

232. **Mina:** Did they find the keys? **Salma:** Yes, the keys ..... . (find)

233. **A:** Did Ali break the window? **B:** No, it ..... by Reza while playing football. (break)

۱۹ کلمات در هم ریختهٔ زیر را به‌صورت جملات معلوم و مجهول بنویسید.

234. me / for / my mom / breaking the vase / forgave /.

Active: ..... . Passive: ..... .

235. for / she / 50 years / has / a diary / kept /.

Active: ..... . Passive: ..... .

236. do / where / park / their car / they / ?

Active: ..... . Passive: ..... .

237. takes / to school / his children / Mr. Brown / everyday / .

Active: ..... . Passive: ..... .

238. a new medicine / doctors / to cure cancer / have made / .

Active: ..... . Passive: ..... .

۲۰ با توجه به تصاویر زیر به سؤالات پاسخ دهید.

a	b	c	d

239. Has the blackboard been cleaned?

240. What language is spoken in this country?

241. Who has painted this picture? It ..... by Leonardo da Vinci.

242. This animal ..... yesterday. (hunt)

۲۱ متن زیر را بخوانید و شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.

Many products 243. ..... (develop) each year. Light bulb, camera, airplane, and telephone 244. ..... (invent) by scientists and inventors. Laptops, smart phones, and tablets 245. ..... (make) by lots of work. But not all products 246. ..... (develop) by hard work. Some inventions 247. ..... (create) by accident or scientists' mistakes. Penicillin, for instance, 248. ..... (discover) quite accidentally when Alexander Fleming 249. ..... (work) on bacteria. Microwave oven also 250. ..... (invent) during a scientist's experiment on energy. More interestingly, some tools and technologies 251. ..... (not invent) by scientists at all. Some like dishwashers and computer games 252. ..... (make) by ordinary people like workers, housewives and school students.

۲۲ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

253. The new book ..... two days ago.
a) was posted b) posted c) was posting d) has posted

254. She ..... to speak Chinese before she moved to China.
a) had taught b) was taught c) taught d) will be taught

255. Alexander Fleming ..... penicillin many years ago.
a) was discovering b) discovered c) has discovered d) had discovered

256. Tom ..... to be a brave soldier.
a) knows b) knowing c) is known d) has known

257. The students ..... a new lesson tomorrow.
a) will be teaching b) will teach c) are going to teach d) will be taught

258. These cars haven't ..... since 2010.
a) use b) used c) been used d) been using

259. We ..... to their party last Monday.
a) invited b) have invited c) were inviting d) were invited

260. This watch ..... very well since last year.
a) works b) worked c) is worked d) has worked

261. His brother ..... near the park last night.
a) found b) was found c) has found d) finds

262. A: Why ..... they ..... the lion?
B: Because it was going to attack them.
a) did – kill b) were – kill c) were – killed d) were – killing

۲۳ قسمت انتهایی جملات زیر را کامل کنید.

263. Mina is happy, ... ?
264. He's writing an email, ... ?
265. George wasn't hungry, ... ?
266. The girls were weaving a carpet, ... ?
267. They are going to Hamedan, ... ?
268. His father won't buy a new car, ... ?
269. The boys have broken the window, ... ?
270. Your sister has passed the exam, ... ?
271. I've heard he's sick, ... ?
272. It isn't something serious, ... ?
273. They are going to leave here, ... ?
274. This cannot be true, ... ?
275. John never drives carelessly, ... ?
276. The students came late, ... ?
277. Mina hurt herself, ... ?

۲۴ شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.
(شبه نهایی اردیبهشت ۱۴۰۲ - زاهدان)

278. My friends ..... to help me in any way, weren't they? (try)
279. They ..... shopping, won't they? (go)
280. They ..... their lunch yet, have they? (have)
281. They ..... a carpet, aren't they? (weave)

330. They will buy a new house, ... ? (شهریور ۹۹)

a) won't he b) won't they c) will they d) will he

331. Your sister has passed the exam, ... ? (دی ۹۹)

a) didn't she b) hasn't she c) didn't you d) has she

332. Hamid doesn't say a bad word, ... ? (انسانی، ریاضی، تجربی - خرداد ۱۴۰۰) پُرتکرار

a) did Hamid b) does he c) doesn't Hamid d) isn't he

333. His sister never behaves politely, ... ? (شهریور ۱۴۰۱)

a) does she b) doesn't she c) does he d) doesn't he

334. A: Hamid has not come to school. I've heard he is not well, ... ? (خرداد ۱۴۰۱)

B: Oh, yes. He has got the flu.

a) has he b) have I c) hasn't Hamid d) is he

335. My father will buy a new car, ... ? (دی ۱۴۰۱)

a) will my father b) won't he c) will he d) won't my father

336. Leila never forgets to call you, ... ? (خرداد ۱۴۰۲)

a) does she b) doesn't she

c) doesn't Leila d) does Leila

337. Amir didn't paint the wall himself, ... ? (شهریور ۱۴۰۲)

a) did he b) did Amir c) was he d) wasn't Amir

338. Nahid ..... the room, won't she? (شهریور ۱۴۰۲)

a) is cleaning b) will clean c) won't clean d) cleans

Listening and Speaking

برای مشاهدهٔ فایل‌های صوتی، رمزینهٔ مقابل را اسکن کنید.

۲۹ دانش‌آموز عزیز! به فایل صوتی شمارهٔ ۱ به دقت گوش دهید و سپس پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید. (دی ۹۹)

339. Who are our elders?

a) mothers and fathers b) fathers c) mothers d) doctors

340. A: What do our elders teach us? B: They teach us how to ..... .

a) accept and learn b) love and care c) forgive and remember d) learn an answer

341. We have a responsibility to learn from their ..... .

a) pain b) situation c) wish d) wisdom

۳۰ دانش‌آموز عزیز! به فایل صوتی شمارهٔ ۴ به دقت گوش دهید و مکالمهٔ زیر را با کلمه‌های صحیح کامل کنید. (دی ۹۹)

A: The programs on TV these days are the **342.** ..... . Even with the hundred channels to **343.** ..... from, everything is **344.** ..... .

B: You're **345.** ..... about that! I think it is because most TV programs are written for **346.** ..... . There is nothing for older people to **347.** ..... .

۳۱ دانش‌آموز عزیز: در این بخش به مکالمه بین سارا و پرستار گوش کنید و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (دی ۱۴۰۰)

Sara: It is so good that there are famous physicians in your hospital.

Nurse: Do you know Iran has always had great physicians and doctors and has been rich in **348.** ..... ?

Sara: It sounds interesting. Can you name some of them? I'd like to know them.

Nurse: Back in **349.** ..... , we can mention Avicenna.

Sara: Avicenna! Can you tell me more about him?

Nurse: Yeah, of course! He was a great **350.** ..... physician. He has written two great books. His **351.** ..... is a source of inspiration for many people.

Sara: That's so nice. I think I'll ask my dad to **352.** ..... us to Hamedan this summer.

Nurse: Yeah, I think that will be an exciting trip!

۳۶ دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمهٔ بین سوفیا و جیمز گوش دهید. سپس گزینهٔ صحیح را انتخاب نمایید. (دی ۱۴۰۱)

382. James went to the ..... for holiday.

a) Southwest of Asia
b) Northwest of Asia
c) Southeast of Asia
d) Northeast of Asia

383. James went to Singapore for its ..... .

a) beauty and culture
b) beauty and history
c) history and art
c) history and culture

384. James went to Singapore by ..... .

a) train
b) airplane
c) bus
d) ship

385. James took the following items except ..... .

a) clothes
b) money
c) a digital camera
d) a dictionary

۳۷ دانش‌آموز عزیز! در این بخش، بهزاد از امین سؤالاتی در مورد «کار و سلامتی» می‌پرسد. به مکالمهٔ بین آن‌ها گوش دهید. سپس جملات صحیح را با (True) و جملات غلط را با (False) مشخص نمایید. (خرداد ۱۴۰۲)

386. Amin is working on a new project. (True/False)
387. Health is more important than work for Amin. (True/False)
388. Behzad thinks that money is on top of everything. (True/False)

۳۸ دانش‌آموز عزیز! در این بخش به مکالمهٔ بین خانم و آقا گوش دهید و سپس گزینهٔ صحیح را انتخاب نمایید. (خرداد ۱۴۰۲)

389. The man and woman like ..... .

a) pizza
b) sandwich
c) seafood

390. The man thinks that "1984" ..... .

a) is hard to read
b) is beautiful to watch
c) gives a lot to think about

391. The man's favorite sport is ..... .

a) skating
b) swimming
c) skiing

392. "Everything is still quiet", it is the reason why the man likes ..... .

a) sunrise
b) sunset
c) morning

۳۹ دانش‌آموز عزیز! به مکالمهٔ بین مشتری و پیشخدمت در رستوران با دقت گوش دهید و جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. (خرداد ۱۴۰۲)

Customer: Could I have a menu?
Waiter: Yes, here it is. Would you like something to drink?
Customer: I would like 393. ....., please.
Waiter: Are you also 394. ..... to order?
Customer: Yes, I would like the 395. ....., please.
Waiter: Anything 396. .....?
Customer: No, thank you.
Waiter: Enjoy your 397. ..... .

Writing

۴۰ جملات زیر را با and و but کامل کنید.

398. We went to the park yesterday, ... we had a wonderful time.
399. Behnam's family went to the zoo last week, ... they did not enjoy it.
400. Susan has a pink dress, ... she never wears it.
401. Kate saw Sofia, ... she didn't speak to her.
402. My English class is really enjoyable, ... I have a lot of homework.

۴۱ جملات زیر را با or یا so کامل کنید.

403. My mother doesn't like fast food, ... she doesn't eat any.
404. I can go out tonight, ... I can take a rest.
405. We can eat our lunch at the restaurant, ... we can have it at home.
406. That dictionary is expensive, ... I can't buy it.
407. This dress is not comfortable, ... she rarely wears it.

۵۴ جملات مناسب برای ستون A را از ستون B انتخاب کرده و در پاسخ نامه بنویسید. (خرداد ۹۹ ـ علوم انسانی و معارف اسلامی)

A	B
466. You can use a mobile dictionary, or	a) I didn't have your number.
467. The roads were covered with ice, so	b) I looked out.
468. I wanted to call you, but	c) you can buy a pocket one.
469. I went to the window, and	d) it was not safe to drive.

۵۵ گزینهٔ صحیح را انتخاب نمایید.

470. **Melika took the cat, ...** (دی ۱۴۰۱)

a) and she put it in the box
b) so it climbed the tree
c) but it was too busy
d) or she was too late

471. **The restaurant wasn't very nice, ...** (دی ۱۴۰۱)

a) and I had a very good time there
b) or I can stay at home tonight
c) so I rarely cook well
d) but its food was very good

472. **I spent three hours in the gym, ...** (خرداد ۱۴۰۲)

a) and I'm not a good play player
b) so I'm really tired now
c) but I'm hungry
d) or I leave it now

473. **There are a lot of clouds in the sky, ...** (خرداد ۱۴۰۲)

a) but it's going to rain
b) so it's very funny
c) or you can go outside
d) and you can't see the sun

474. **My parents enjoy working in the garden, ...** (شهریور ۱۴۰۲)

a) so they are sad
b) or their garden is beautiful
c) and they grow vegetables there
d) but they like their garden

475. **Mahyar must choose. He can watch TV, ...** (شهریور ۱۴۰۲)

a) and he can go abroad
b) so he can pass the exam
c) but he can play the piano
d) or he can sleep

What You Learned

دانش‌آموز عزیز، بخشی از این متن در کتاب درسی قید نشده. ما یواشکی قسمت جاافتاده رو براتون آوردیم (بین خودمون بمونه). شما کل متن رو بخونید. احتمال داره در آینده هم به عنوان متن شنیداری بیاد و هم به عنوان درک مطلب. متن رو ترجمه می‌کنیم و چندتا سوال می‌دیم. چندین بار این متن رو بخونید.

۵۶ متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده‌شده پاسخ دهید.

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth respecting and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is to appreciate them for all they've gone through and learn from their insight into situations.

Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging. Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations.

What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives. Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopeful , peaceful.

476. Why is it important to respect and care for our elders?

477. What does the underlined word "**they**" refer to?

478. Why is our heritage important?

479. What should we do about our culture and heritage?

480. What do our parents do for us?

متن‌های تألیفی و امتحانات نهایی

۵۷ متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده‌شدهٔ هر قسمت پاسخ دهید. (شهریور ۹۸)

Respect is a way of acting well or thinking highly about something or someone. You respect those who are important to you. You show your respect by being polite and kind. When you are impolite or act badly toward people, they may feel sad or angry. But whom should you respect the most?

You must care for those who always care for you. You know that your parents care for you for every little thing. You must love them, respect them, and care for them. Besides bringing you into the world, your parents spend their time, energy, and strength to make sure that you have what you need or want. Telling them that you thank them reflects the level of your respect for them.

The easiest way to show your love and respect is to tell them that you appreciate who they are and what they do. You can also do something small but meaningful, for example, wash the dishes, clean the kitchen after dinner or clean the rooms. Your parents will pay attention to and appreciate your acts of kindness. You may also tell your mom how well she cooks, or tell your dad how great he is at his job. For most of parents, any of these small things can be a sign of respect.

True / False

481. We respect those who are important to us for some reasons.

482. If you are impolite or act badly toward people, they feel important.

Choose the best answer.

483. **We show our ..... by being polite to those we care for.**

a) need b) strength c) happiness d) respect

484. **Telling your parents that you thank them ..... the level of your respect for them.**

a) reflects b) invents c) imagines d) shouts

Answer the questions.

485. What is the easiest way to show your love and respect to your parents?

486. Can doing good small things show your respect to your parents? (Give an example.)

۵۸ متن زیر را بخوانید و به سؤالات آن پاسخ دهید. (خرداد ۹۸)

Some people prefer to provide help and support directly to those in need. However, others prefer to give money to national and international charity organizations. Giving money to those in need can be a personally good experience, but there is a choice between donating nationally and internationally through charities or giving directly to those around you. One of the advantages of providing direct support is that you can know exactly how your money is spent. Another benefit is that you can see the impacts on those you are helping, which can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

درس اول کتاب دانش‌آموز

۱. pressure: او برای انجام تکلیفش تحت **فشار** بود.
۲. lower: لطفاً صدایتان را **پایین بیاورید**. من مشغول مطالعه هستم.
۳. successful: نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند در زندگی‌هایشان **موفق** هستند.
۴. elderly: ما باید به افراد **سالمند** در انجام فعالیت‌های روزمره‌شان کمک کنیم.
۵. advice: گوش دادن به **نصیحت** افرادِ مسن‌تر می‌تواند زندگی‌مان را بهبود ببخشد.
۶. sense: رویا **حس** قدردانی خوبی دارد. به همین دلیل است والدینش او را دوست دارند.
۷. donate: ما باید به افرادی که نیاز دارند خون **اهدا کنیم**.
۸. function: **کار** قلب پمپاژ خون به سرتاسر بدن است.
۹. improve: ما نیاز داریم (باید) شرایط زندگی‌مان را به بالاترین سطح **بهبود ببخشیم**.
۱۰. behavior: ما باید **رفتار** اجتماعی مردمی را که به یک زبان صحبت می‌کنند بیاموزیم.
۱۱. kindness: آیا می‌دانستید که **مهربانی** انرژی و توان افراد سالمند را تقویت می‌کند؟
۱۲. increase: آن‌ها قصد دارند که ساعت‌های کاری را از ۳۵ به ۴۰ ساعت در آیندهٔ نزدیک **افزایش دهند**.
۱۳. member: او یک **عضو** فعال کلوپ ماست.
۱۴. cruel: نگه‌داشتن پرندگان در قفس **ظالمانه** است.
۱۵. famous: او یک شخص **مشهور** است. همه او را می‌شناسند.
۱۶. respect: اگر معلمان به شاگردانشان **احترام** بگذارند، آن‌ها نیز یاد می‌گیرند چنین کاری را بکنند.
۱۷. polite: در زبان انگلیسی **مؤدبانه** نیست از کسی بپرسیم چه مقدار پول به دست می‌آورد (کسب می‌کند).
۱۸. take care of: مادرم به ما گفت که هنگام بالا رفتن از کوه **مراقب** خودمان باشیم.
۱۹. abroad: دکترحسابی به **خارج** رفت تا مطالعاتش را ادامه دهد.
۲۰. center: بیشتر مردم دوست دارند که در **کانون** توجه باشند.

توضیح: be at the center of attention به معنی «در کانون توجه بودن» است.

۲۱. temperature: در طی بیست‌وچهار ساعت گذشته بالاترین **درجه حرارت** از اهواز گزارش شده است.
۲۲. terrible: او آنفلوانزای **وحشتناکی** گرفت و در نتیجه نتوانست در کلاس انگلیسی‌اش حضور پیدا کند.
۲۳. guess: آیا می‌توانید **حدس بزنید** کدام تیم فوتبال بازی نهایی را خواهند برد.
۲۴. physician: دکتر قریب **پزشک** شد و در سال ۱۳۱۶ به میهن بازگشت.
۲۵. unconditionally: پدر و مادرها (والدین) بچه‌هایشان را **بدون قید و شرط** دوست دارند.
۲۶. receive: شما در چه سن و سالی دیپلمتان را **اخذ کردید؟**
۲۷. dedicated: جای تعجب نیست که او به‌عنوان یک پزشک **متعهد** در نظر گرفته می‌شد.
۲۸. found: آیا دکتر قریب اولین مرکز پزشکی کودکان در ایران را **تأسیس کرد؟**
۲۹. lovely: او گفت که پسر **دوست‌داشتنی**اش یک سؤال را ۱۵ بار تکرار کرد.
۳۰. sure: آن‌ها **مطمئن** بودند که با موفقیت امتحان نهایی‌شان را پاس خواهند کرد. (قبول خواهند شد.)
۳۱. (c): بچه‌ها باید به والدینشان احترام بگذارند.
۳۲. (d): ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.
۳۳. (b): اعضای خانواده‌ها باید به حرف یکدیگر گوش کنند.
۳۴. (a): ما می‌توانیم به بسیاری از مردم با هدیه‌کردن آنچه نیاز دارند کمک کنیم.
۳۵. (c): اعضای خانواده به مطالعه‌کردن علاقه‌مند هستند.
۳۶. (a): مغز می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ثبت کند.
۳۷. (d): این کتاب درسی فارسی سال‌های مدرسه را برای من تداعی می‌کند.
۳۸. مهربانی انرژی و توان را در افراد سالمند تقویت می‌کند. (این جمله اضافی است.)
۳۹. (b): این مرد به خاطر کمر دردش نیاز دارد مورد مراقبت قرار بگیرد.
۴۰. temperature: این‌که یک شیء یا یک مکان چه‌قدر داغ یا سرد است. (درجه‌حرارت)
۴۱. sense: درک و فهم دربارهٔ چیزی (حس)
۴۲. center: نقطه یا بخش میانی در چیزی (مرکز)
۴۳. diploma: دورهٔ مطالعاتی در دانشکده یا دانشگاه (دیپلم)
۴۴. teenager: کسی که بین ۱۳ تا ۱۹ سال دارد. (نوجوان)
۴۵. physician: پزشکی که متخصص طب عمومی است. (پزشک)
۴۶. blood: مایع قرمز رنگی که در بدن انسان‌ها یا حیوانات در جریان است. (خون)
۴۷. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

او نمرات **پایین‌تری** نسبت به دانش‌آموزان دیگر در کلاس گرفت. به همین دلیل ناراحت است.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: بهتر ـ بالاتر ـ کمتر ـ قشنگ‌تر

۴۸. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

آن‌ها قیمت‌ها را در این مغازه **افزایش** داده‌اند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: از بین بردن ـ اهدا کردن ـ اهمیت‌دادن ـ افزایش‌دادن

۴۹. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

والدین باید **مورد احترام** بچه‌هایشان باشند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: احترام‌گذاشتن ـ انتخاب‌کردن ـ پیروی‌کردن ـ کنترل‌کردن

۵۰. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

آن‌ها دارند تلاش می‌کنند تا شرایط زندگی‌شان را **بهبود ببخشند**.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: توصیف‌کردن ـ بهبودبخشیدن ـ قدردانی‌کردن ـ عمل‌کردن

۵۱. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

او حال خوشی ندارد. ما باید دمای او را (اندازه) **بگیریم**.

توضیح: take one's temperature به معنای «دمای بدن کسی را گرفتن» است.

۵۲. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

اولین **مرکز** پزشکی بچه‌ها در سال ۱۳۴۷ توسط دکتر قریب تأسیس شد.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مرکز ـ کتاب درسی ـ بیماری ـ تحقیق

۵۳. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

این مدرسه توسط یک مرد **سخاوتمند** ساخته شد. او صد هزار دلار اهدا کرد.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: جدی ـ سخاوتمند ـ مشهور ـ ظالم

۵۴. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

او از هیچ کوششی برای کمک به هموطنانش که در شرایط بدی بودند **دریغ نکرد**.

توضیح: spare no pain به مفهوم «از هیچ کوششی دریغ نکردن» است.

۵۵. پاسخ صحیح گزینه c است.

(رشته) **پزشکی** به هزاران دانشجو توسط این پزشک برجسته آموزش داده می‌شود.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: دیپلم ـ بیماری ـ پزشکی ـ درجه حرارت

۵۶. hard: ما باید با صدای بلندتر صحبت کنیم. چون پدربزرگم گوشش **سنگین** است.

۵۷. dedicated: دکتر قریب به عنوان یک پزشک **دلسوز** تلقی می‌شد. او از هیچ کوششی برای مداوای افراد مریض دریغ نمی‌کرد.

۵۸. sense: برخی از حیوانات مانند سگ‌ها **حس** بویایی بسیار خوبی دارند.

۵۹. memory: او **حافظهٔ** خوبی دارد. او هرگز چیزی را فراموش نمی‌کند.

۶۰. orally: معلم به ما گفت که به سؤالات به‌طور **شفاهی** پاسخ دهیم نه به شکل نوشتاری.

۶۱. blood: او به‌خاطر فشار **خون** بالای خود به بیمارستان برده شد.

۶۲. sure: **آیلین**: آیا دربارهٔ آن **مطمئن** هستی؟ **مهسا**: من نه فقط حدس می‌زنم.

۶۳. elderly: ما باید از افراد **سالمند** مراقبت کنیم. آن‌ها نیاز به مراقبت و توجه دارند.

۶۴. members: **اعضای** تیم قول دادند که نهایت تلاششان را بکنند تا برنده مسابقه شوند.

۶۵. series: آیا شما **سریال** تلویزیونی دکتر قریب را دیده‌اید؟

۶۶. match: معلم از ما خواست که تصاویر را به جملات **وصل** کنیم.

۶۷. care: چه کسی از بچه‌های شما وقتی شما در بیرون مشغول کار هستید **مراقبت** می‌کند؟

۶۸. took: دکتر دمای بدن من را **گرفت** و گفت هیچ مشکلی نیست.

۶۹. diary: من به مدت ۱۲ سال **خاطرات** را ثبت کرده‌ام.

توضیح: keep a diary به معنی «ثبت خاطرات» است.

۷۰. forgive: لطفاً من رو به خاطر جدی نگرفتنت **ببخش**.

۷۱. record: مغز می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات را **ثبت** کند.

۷۲. tears: خواهرم وقتی نمره‌اش را دید **بغضش** ترکید.

توضیح: burst into tears به معنی «ناگهان زیر گریه زدن» است.

۷۳. repeatedly: من **بارها** به فرزندانم گفته‌ام با معلمانشان مؤدبانه صحبت کنند.

۷۴. calmly: او آن‌قدر **با آرامش** دربارهٔ آن تصادف صحبت کرد که ما متعجب شدیم.

۷۵. lovingly: پیرزن **با محبت** پسرش را در آغوش کشید.

۷۶. reply: من به او صبح بخیر گفتم ولی او **پاسخی نداد**.

۷۷. quietly: او جلسه را بدون گفتن چیزی به **آرامی** ترک کرد.

۷۸. shout: ضرورتی ندارد **داد بزنید**. گوش‌های من به خوبی گوش‌های شماست.

۷۹. keep: چرا **مکرراً** یک سؤال مشابه را از من می‌پرسی؟

۸۰. deserve: آن‌ها **سزاوار** بودند به‌خاطر آنچه انجام داده بودند مورد قدردانی قرار بگیرند.

۸۱. reason: او می‌خواست **دلیل** دیر کردنم (آمدنم) را بداند.

۸۲. main: نکات **اصلی** را به من بگو. جزئیات را برای آینده بگذار.

۸۳. provided: اطلاعات **فراهم‌شده** توسط کتاب به اندازه کافی خوب نبود.

۸۴. meaningful: هیچ تفاوت **معناداری** بین این دو فرهنگ‌لغت وجود ندارد.

۸۵. hug: در آلمان وقتی مردم همدیگر را ملاقات می‌کنند معمولاً همدیگر را **بغل می‌کنند**.

۸۶. diary: من اندیشه‌ها و احساساتم را هر روز برای ده سال در **دفترچهٔ خاطراتم** ثبت کرده‌ام.

۸۷. lap: آن بچه از نشستن روی **پای** مادرش لذت می‌برد.

۸۸. repeatedly: من **مکرراً** به محسن گفته‌ام که با معلمانش مؤدبانه صحبت کند.

۸۹. hugged: عمویم به طرف پسرش رفت و او را **در آغوش کشید**.

۹۰. aloud: او شروع کرد به خواندن **با صدای بلند**.

۹۱. care: ما باید به پدر و مادرمان **اهمیت بدهیم**.

۹۲. sit on the sofa ← نشستن روی مبل

۹۳. shout at sb ← سر کسی داد زدن

۹۴. sit on one's lap ← نشستن روی دامن کسی

۹۵. keep a diary ← ثبت خاطره کردن

۹۶. on the other hand ← از طرف دیگر

۹۷. quick meal ← غذای آماده

۹۸. fast food ← فست‌فود

۹۹. do exercise ← تمرین کردن / ورزش کردن

۱۰۰. on the right ← سمت راست

۱۰۱. burst into tears ← ترکیدن بغض

۱۰۲. on a spring morning ← در یک صبح بهاری

۱۰۳. be angry with ← عصبانی بودن از دست کسی

۱۰۴. look for sth to buy ← دنبال چیزی برای خریدن

۱۰۵. take temperature ← دما را اندازه‌گرفتن

۱۰۶. make a mistake ← اشتباه‌کردن

۱۰۷. diary ← (h) ← دفترچه خاطرات

۱۰۸. take care of someone ← (j) ← مراقبت‌کردن از کسی

۱۰۹. pigeon ← (a) ← کبوتر

۱۱۰. read aloud ← (i) ← بلند خواندن

۱۱۱. hard of hearing ← (d) ← سنگین‌بودن گوش

۱۱۲. burst into tears ← (g) ← ترکیدن بغض

۱۱۳. sit on the lap ← (f) ← نشستن روی دامن

۱۱۴. hug sb ← (e) ← در آغوش گرفتن

۱۱۵. shout at sb ← (c) ← دادزدن سر کسی

۱۱۶. sitting on the sofa ← (b) ← نشستن روی مبل

۱۱۷. repeatedly ← بارها و بارها

۱۱۸. pigeon ← کبوتر

۱۱۹. reply ← پاسخ دادن

۱۲۰. hard of hearing ← سنگین‌بودن گوش

۱۲۱. burst into tears ← ترکیدن بغض

۱۲۲. calmly ← به‌آرامی

۱۲۳. forgive ← بخشیدن

۱۲۴. diary ← دفترچه خاطرات

۱۲۵. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

آنچه که او گفت برای ما **دارای مفهوم** نبود. ما از او خواستیم تا آن را یک بار دیگر تکرار کند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: دارای مفهوم ـ سخاوتمند ـ برجسته ـ مهم

۱۲۶. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

او **توصیف** کاملی از آنچه که در مسیر مدرسه اتفاق افتاده بود، داد.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: درک مطلب ـ استراتژی ـ توصیف ـ دامنه واژگان

۱۲۷. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

لباس‌هایی را بپوشید که محافظت کافی برابر سرما **ایجاد کنند**.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: تولیدکردن ـ فراهم‌کردن ـ پیروی‌کردن ـ توصیف‌کردن

۱۲۸. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

وقتی مادرم نمرهٔ مرا دید، با عصبانیت سر من **داد کشید**.

توضیح: shout at sb به معنی «دادزدن بر سر کسی» است.

۱۲۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

دانش‌آموزان باید بابت کمک و مهربانی معلمانشان از آن‌ها **قدردانی کنند**.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: به خاطر سپردن ـ تولیدکردن ـ انتخاب‌کردن ـ قدردانی‌کردن

۱۳۰. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

معمولاً ۲۰ دقیقه طول می‌کشد تا به محل کارم برسم.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: به‌طور نرمال، معمولاً ـ سرانجام ـ به‌طور جدی ـ به‌طور ناگهانی

۱۳۱. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

او مجبور بود قبل از مصاحبه، انگلیسی صحبت‌کردن را **تمرین کند**.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: تکرار کردن ـ تمرین کردن ـ بخشیدن ـ دنبال کردن

۱۳۲. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

دلیل شما برای داد زدن با عصبانیت بر سر او چیست؟

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: سؤال ـ فرایند ـ دلیل ـ کمیت

۱۳۳. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

من به زبان فرانسه به او صبح بخیر گفتم و او به همان زبان **پاسخ داد**.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مرور کردن ـ واقع‌شدن ـ پاسخ‌دادن ـ ثبت‌کردن

۱۳۴. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

یک باد **شدید** از غرب در حال وزیدن بود.

توضیح: هم‌نشین strong wind به معنی باد شدید است.

۱۳۵. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

چه کسی می‌گوید **کمیت** بهتر از کیفیت است؟

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: راهبرد ـ تولید، نسل ـ توصیف ـ کمیت

۱۳۶. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

او می‌تواند به سلیسی (روان‌بودن) یک گویندهٔ **بومی** صحبت کند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: شفاهی ـ ناگهان ـ بومی ـ طبیعی

۱۳۷. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

کیف آن‌قدر سنگین بود که نمی‌توانستم آن را **حمل کنم**.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: شروع کردن ـ حمل کردن ـ وزن کردن ـ اندازه‌گرفتن

۱۳۸. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

من **در واقع** سه زبان خارجی را علاوه‌بر زبان مادری‌ام می‌دانم.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: به‌طور وحشتناک ـ دقیقاً ـ در واقع ـ با صدای بلند

۱۳۹. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

با آموختن **هم‌نشین‌ها**، شما می‌توانید دامنهٔ واژگان خود را بهبود بخشید.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: وضعیت‌ها ـ توصیفات ـ همایندها ـ نسل‌ها

۱۴۰. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

نکته: have a high opinion of = respect: وقتی به کار می‌رود که شما کسی را ستایش می‌کنید و در واقع به او احترام می‌گذارید.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: اختصاص‌دادن ـ فراهم‌کردن ـ پاسخ دادن ـ احترام‌گذاشتن

۱۴۱. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

شما باید [شیوهٔ] ایجاد (تولید) سؤال **همراه با** پاسخ‌های احتمالی را بیاموزید.

توضیح: اصطلاح along with به معنی «همراه با» است.

۱۴۲. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

من از او خواستم نکات **اصلی** متن را به من بگوید.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: اصلی ـ واقعی ـ سریع ـ سنگین

۱۴۳. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

من هیچ **ایده‌ای** ندارم (نمی‌دانم) که او چرا جلسه را بدون گفتن خداحافظی ترک کرد.

توضیح: اصطلاح I have no idea به معنی «ایده‌ای ندارم، نمی‌دانم» است.

۱۴۴. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

سؤال **آماده‌شده** توسط معلم برای پاسخ دادن سخت بود.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: وصل کردن ـ ترکیب کردن ـ آماده‌کردن ـ سریع و سطحی خواندن

۱۴۵. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

اگر شما **موقعیت** را برای من نفرستید، من نمی‌توانم در جلسه شرکت کنم.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: توجه ـ قدردانی ـ عملکرد ـ موقعیت

۱۴۶. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

ممکن نیست که بتوان در یک اتاق تاریک مطالعه کرد.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مهم ـ ضروری ـ ممکن ـ دارای مفهوم

۱۴۷. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

یک هم‌نشین شامل دو یا چند کلمه است که اغلب با هم **می‌آیند**.

توضیح: اصطلاح go together به معنی با هم آمدن یا همایند بودن است.

ترجمه

به والدین خودتان احترام بگذارید.

در یک صبح بهاری، پیرزنی بر روی یک مبل در خانه‌اش نشسته بود. پسر کوچکش داشت روزنامه می‌خواند. ناگهان کبوتری روی پنجره نشست.

148. It was spring.

149. She was sitting on the sofa in her house.

150. He was reading a newspaper.

151. It sat on the window.

ترجمه

مادر از پسر کوچکش به‌آرامی پرسید: **این** چیست؟ پسرش پاسخ داد: آن یک کبوتر است. بعد از چند ثانیه او از پسرش برای بار دوم پرسید: این چیست؟ پسرش گفت: مامان، من همین الان به شما گفتم. این یک کبوتر است، یک کبوتر. بعد از مدت کوتاهی، مادر پیر از پسرش برای بار سوم پرسید: این چیست؟ این بار پسر سر مادرش داد کشید: چرا به پرسیدن یک سؤال تکراری بارها و بارها ادامه می‌دهی؟ آیا گوش تو سنگین است؟

152. "**This**" refers to "a pigeon".

153. She asked the same question three times.

154. Because she asked the same question repeatedly (again and again).

ترجمه

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات قدیمی برگشت. او گفت: پسر عزیزم. من این دفترچه خاطرات را وقتی تو به دنیا آمدی خریدم. سپس او یک صفحه را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن صفحه را بخواند. پسر به آن صفحه نگاه کرد، مکث کرد و شروع به بلند خواندن آن کرد.

155. She went to her room.

156. She brought an old diary.

157. She bought it when her son was born.

158. She asked him to read that page.

159. He read it aloud.

ترجمه

امروز زمانی که کبوتری روی پنجره نشست، پسر کوچکم روی پای من نشست. پسر کوچک من ۱۵ بار پرسید: آن چیست و من هر ۱۵ بار به او پاسخ دادم آن کبوتر است. من هر بار که او همان سؤال را بارها و بارها از من می‌پرسید، او را با عشق و مهربانی بغل می‌کردم. من اصلاً احساس عصبانیت نمی‌کردم. من واقعاً برای بچهٔ دوست‌داشتنی‌ام احساس شادی می‌کردم.

160. He was sitting on his mother's lap.

161. She replied the same questions 15 times.

162. She hugged her son lovingly

163. No, she wasn't.

ترجمه

ناگهان پسر بغضش ترکید، مادر پیرش را در آغوش کشید و به‌طور مکرر گفت: مادر، مادر من را ببخش. لطفاً من را ببخش. مادر پیرش پسرش را در آغوش کشید، او را بوسید و به‌آرامی گفت: ما باید مراقب کسانی باشیم که زمانی (روزگاری) مراقب ما بوده‌اند. ما همه می‌دانیم که والدینمان چه‌قدر برای هر چیز کوچکی به بچه‌هایشان اهمیت می‌دهند (مراقبت می‌کنند). بچه‌ها باید آن‌ها را دوست داشته باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و مراقب آن‌ها باشند.

164. The son burst into tears.

165. Yes, he did.

166. She hugged her son and kissed him.

167. She said, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them."

ترجمه

بزرگان چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با ما دارند، مانند تجربیات زندگی، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و بسیاری موارد دیگر. بنابراین، ما باید از آن‌ها مراقبت کنیم زیرا آن‌ها شایستهٔ مراقبت هستند. احترام و مراقبت از بزرگ‌ترها از والدین ما شروع می‌شود، زیرا آن‌ها اولین معلمان ما در زندگی هستند.

۱۶۸. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

ما باید مراقب بزرگان خود باشیم زیرا **آن‌ها تجربهٔ زندگی خود را با ما به اشتراک می‌گذارند.**

a) شکست‌های آن‌ها اهمیت کمتری دارد

b) آن‌ها به ما به‌عنوان معلمان خود احترام می‌گذارند

c) آن‌ها تجربه زندگی خود را با ما به اشتراک می‌گذارند

d) موفقیت‌های آن‌ها مهم نیست

۱۶۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

اگر امروز به بزرگ‌ترهای خود احترام بگذاریم، نسل حال و آینده ما حامل آن ارزش‌ها خواهند بود و وقتی پیر شدیم یاد خواهند گرفت که به ما احترام بگذارند.

a) کودکان ارزش‌های بیشتری نسبت به بزرگ‌ترها دارند.

b) بزرگ‌ترها بیشتر از بچه‌ها به ما احترام می‌گذارند.

c) بچه‌ها وقتی پیر شوند، بزرگ‌ترها را حمل می‌کنند.

d) وقتی به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاریم، فرزندانمان یاد می‌گیرند که به ما احترام بگذارند.

۱۷۰. author: آیا می‌دانید کدام **نویسنده** (کتاب) پیرمرد و دریا را نوشته است؟

۱۷۱. poets: حافظ به عنوان یکی از مشهورترین **شاعران** ایرانی در همهٔ زمان‌ها شناخته شده است.

۱۷۲. special: حافظ اکثراً به خاطر نوع **خاصی** از شعر که غزل نامیده می‌شود به خاطر آورده می‌شود.

۱۷۳. inspiration: فردوسی برای بسیاری از شاعران و نویسندگان در سرتاسر جهان **الهام‌بخش** شناخته شده است.

۱۷۴. heart: طاهره صفارزاده وقتی که ۸ سال داشت شروع به **حفظ‌کردن** قرآن کریم کرد.

توضیح: learn by heart به معنی «حفظ‌کردن، از بر کردن» است.

۱۷۵. countless: قرآن‌کریم به زبان‌های **بی‌شماری** از قبیل آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است.

۱۷۶. product: این نوع لپ‌تاپ **فرآوردهٔ (محصول)** جدیدی از چین است.

۱۷۷. ordinary: دانشمندان مثل من و شما **افراد عادی** نیستند.

۱۷۸. cure: دانشمندان هنوز روشی را برای **درمان** سرطان نیافته‌اند.

۱۷۹. discover: آیا الکساندر فلمینگ پنی‌سیلین را **کشف کرد** یا فرد دیگری؟

۱۸۰. create: آن‌ها می‌خواهند شغل‌های بیشتری را برای جوانان در این منطقه **ایجاد کنند.**

۱۸۱. solution: معلم می‌خواست بداند چه‌کسی **راه‌حل** آن مسئلهٔ ریاضی را می‌داند.

۱۸۲. wrong: چه **مشکلی** داری؟ آیا مریض هستی؟

توضیح: be wrong with به معنی «مشکل داشتن» است.

۱۸۳. confirm: برادرم آنچه را که به شما گفته‌ام را **تأیید** خواهد کرد.

۱۸۴. agreement: او گفت که او در **توافق** کامل با آنچه من انجام داده‌ام بود.

۱۸۵. weave: مدت زمان زیادی طول کشید تا آن فرش زیبا را **ببافد.**

۱۸۶. condition: او اگرچه ۹۵ سال داشت در **شرایط** خوبی بود.

۱۸۷. uncertainly: او به سؤال آن خانم **با عدم‌اطمینانِ** کامل پاسخ داد. او دربارهٔ آن مطمئن نبود.

188. receive education → (e) دریافت آموزش

189. learn by heart → (j) از برکردن، حفظ‌کردن

190. sense of identity → (i) حس هویت

191. find a solution → (a) پیداکردن یک راه‌حل

192. cure cancer → (c) درمان سرطان

193. develop a product → (b) توسعه‌دادن یک کالا

194. by accident → (d) به‌طور تصادفی

195. microwave oven → (f) فر مایکروویو

196. pass the exam → (g) پاس‌کردن (قبول‌شدن) امتحان

197. elicit agreement → (h) به توافق رسیدن

198. future plans → (h) طرح‌های آینده

199. compound sentences → (j) جملات مرکب

200. wear a dress → (f) لباس‌پوشیدن

201. comfortable shoes → (i) کفش‌های راحت

202. be proud of → (c) افتخارکردن به

203. sense of belonging → (d) حس تعلق

204. a set of rules → (e) یک سری مقررات

205. install a dictionary → (b) نصب یک فرهنگ‌لغت

206. experience a failure → (g) تجربه‌کردن یک شکست

207. health condition → (a) وضعیت سلامت

۲۰۸. hate: من از جان **متنفرم** چون او خودخواه است.

۲۰۹. contrast: «اما» برای نشان دادن **تضاد** استفاده می‌شود.

۲۱۰. willing: من **مشتاق** هستم که به شما در انگلیسی کمک کنم.

۲۱۱. hungry: او آنچنان **گرسنه** بود که سه کاسه سوپ خورد.

۲۱۲. solution: آن‌ها یک **راه‌حل** صلح‌آمیز برای آن مشکل پیدا کردند.

۲۱۳. identity: **هویت** آن مرد متوفی توسط پلیس شناخته نشده است.

۲۱۴. regarding: ما چیزهای زیادی را **در خصوص** میراثمان از پدر و مادرمان می‌آموزیم.

۲۱۵. result: **نتیجهٔ** تحقیق نشان می‌دهد که خانم‌های خانه‌دار بزرگ‌ترین گروه تماشاگران تلویزیونی هستند.

۲۱۶. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

عواطف و **اخلاقیات** زیاد در غزل‌های حافظ استفاده می‌شوند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: اخلاقیات ـ تبلت‌ها ـ ابزارها ـ مقررات

۲۱۷. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

این شاعر **الهاماتش** را از طبیعت می‌گیرد.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مکالمه ـ توسعه ـ الهام ـ ترجمه

۲۱۸. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

آیا می‌دانستید که رادیو توسط یک دانشمند ایتالیایی به‌نام مارکونی **اختراع** شده است؟

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: کشف‌شدن ـ اختراع‌شدن ـ وصل‌شدن ـ انتخاب‌شدن

۲۱۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

از کدام‌یک **از ابزارهای** قدرت ارتباطی هنگام سخنرانی بیشتر استفاده می‌کنید؟

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: متون ـ نکات، امتیازات ـ گزینه‌ها ـ ابزارها

توضیح: communication power tools به معنی «ابزارهای قدرت ارتباطی» است.

۲۲۰. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.

آقای احمدی یک مرد **مذهبی** است. او قرآن کریم را از بر دارد (از حفظ می‌داند).

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: جدی ـ مذهبی ـ ویژه ـ بی‌شمار

۲۲۱. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

نظام آموزش در فنلاند بهترین نظام **آموزشی** در دنیاست، چون بچه‌هایشان از یادگیری لذت می‌برند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مجموعه ـ عاطفه ـ آموزش ـ شعری

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

این‌که او چند زبان می‌داند یک **نعمت** است.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: نعمت ـ میراث ـ خط مشی ـ تعلق

۲۲۳. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

احتمال ضعیفی وجود دارد که او بتواند به ما کمک کند.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: حضور ـ تفاوت ـ ترکیب ـ احتمال

۲۲۴. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.

دکترها در حال **چک کردن (بررسی)** سلامت او هستند. من امیدوارم چیز جدی نباشد.

گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: بررسی کردن ـ توضیح دادن ـ ذکر کردن ـ دنبال کردن

۲۲۵. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.

این تست‌ها **بر اساس** واژگان هستند نه بر اساس گرامر (دستور زبان).

توضیح: be based on به معنی «بر اساس» است.

۲۲۶. پاسخ صحیح has not been found است.

دزد هنوز توسط پلیس پیدا نشده است.

نکته: جمله با توجه به yet حال کامل (ماضی نقلی) مجهول است و yet فقط در حالت منفی می‌آید: یعنی:

have / has + not + been + P.P.

۲۲۷. پاسخ صحیح are kept است.

من دو پرنده دارم. آن‌ها در قفس نگه‌داری می‌شوند.

نکته: جمله بیانگر حال سادهٔ مجهول است: یعنی:

am / is / are + p.p.

چون بعد از فعل متعدی keep مفعول نیامده است.

۲۲۸. پاسخ صحیح were made است.

این پن‌کیک‌ها (نان شیرینی‌ها) دیروز توسط مادرم درست شدند.

نکته: جمله با توجه به قید گذشته (yesterday) و مفهوم جمله دلالت بر گذشتهٔ ساده مجهول دارد: یعنی: was / were + p.p.

۲۲۹. پاسخ صحیح is known است.

حافظ در همه جای دنیا شناخته شده است، مگر نه؟

نکته: برای بیان حقایق و واقعیت‌ها از زمان حال ساده استفاده می‌شود و چون جمله مجهول است شکل حال سادهٔ مجهول می‌آید: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۳۰. پاسخ صحیح lowered است.

با کمک کردن به دیگران فشار خون کاهش می‌یابد.

نکته: برای بیان حقایق و واقعیت‌ها از زمان حال ساده استفاده می‌شود و چون جمله مجهول است شکل حال سادهٔ مجهول می‌آید: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۳۱. پاسخ صحیح cooking است.

وقتی به خانه رسیدیم مادرم داشت ناهار می‌پخت.

نکته: چون بعد از فعل مفعول آمده است و زمان جملهٔ معلوم گذشتهٔ استمراری (was / were + v + ing) است، از فعل (cook) به حالت گذشتهٔ استمراری معلوم استفاده می‌شود.

۲۳۲. پاسخ صحیح were found است.

مینا: آیا کلیدها را پیدا کردی؟

سلما: بله، کلیدها پیدا شدند.

نکته: چون جمله گذشتهٔ ساده است (با توجه به did) در پاسخ از شکل گذشتهٔ سادهٔ مجهول استفاده می‌شود. یعنی:

was / were + p.p.

۲۳۳. پاسخ صحیح was broken است.

الف: آیا علی پنجره را شکست؟

ب: نه، آن توسط رضا زمانی که داشت فوتبال بازی می‌کرد شکسته شد.

نکته: چون جمله گذشتهٔ ساده است، با توجه به ساختار مجهول (حرف اضافه by به‌همراه‌کنندهٔ کار) از شکل مجهول فعل داخل پرانتز در زمان گذشتهٔ سادهٔ مجهول استفاده می‌شود. یعنی:

was / were + p.p.

234. Active: My mom forgave me for breaking the vase.
Passive: I was forgiven (by my mom) for breaking the vase .
235. Active: She has kept a diary for 50 years.
Passive: A diary has been kept by her for 50 years.
236. Active: Where do they park their car?
Passive: Where is their car parked?
237. Active: Mr. Brown takes his children to school every day.
Passive: Mr.Brown's children (His children) are taken to school everyday.
238. Active: Doctors have made a new medicine to cure cancer.
Passive: A new medicine has been made to cure cancer (by doctors).
239. No, it hasn't been cleaned yet.
240. Persian is spoken in this country.

241. has been painted
242. was hunted
243. are developed
244. were invented
245. are made
246. are developed
247. are created
248. was discovered
249. was working
250. was invented
251. are not invented
252. were made

ترجمه

بسیاری از محصولات هر ساله **توسعه داده می‌شوند**. لامپ حبابی، دوربین، هواپیما و تلفن توسط دانشمندان و مخترعان **اختراع شدند**. لپ‌تاپ‌ها، گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها به‌واسطهٔ کارهای زیاد **ساخته می‌شدند**. ولی همهٔ محصولات با سخت‌کوشی توسعه پیدا نمی‌کنند. کارهای زیاد برخی از اختراعات به‌صورت تصادفی یا به علت اشتباهات دانشمندان **ایجاد می‌شدند**. مثلاً پنی‌سیلین وقتی الکساندر فلمینگ **داشت** روی باکتری‌ها **کار می‌کرد** کاملاً به‌صورت **تصادفی کشف** شد. فِر مایکروویو همچنین در طی آزمایش یک دانشمند بر روی انرژی **اختراع شد**. جالب‌تر این‌که برخی از ابزارها و فناوری‌ها اصلاً توسط دانشمندان **اختراع نمی‌شدند**. برخی مثل ماشین ظرف‌شویی‌ها و بازی‌های کامپیوتری توسط افراد عادی مثل کارگران، خانم‌های خانه‌دار و دانش‌آموزان **مدرسه‌ای ساخته شدند**.

۲۵۳. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.
کتاب جدید دو روز پیش پست شد.

نکته: جمله گذشتهٔ سادهٔ مجهول است. یعنی: was / were + p.p.

۲۵۴. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.
به او یاد داده شد قبل رفتن به چین (زبان) چینی را صحبت کند.

نکته: با توجه به این‌که کار در گذشته اتفاق افتاده است از شکل مجهول زمان گذشته استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۵۵. پاسخ صحیح گزینهٔ b است.
الکساندر فلمینگ خیلی سال‌ها پیش پنی‌سیلین را کشف کرد.

نکته: با توجه به این‌که کار در گذشته اتفاق افتاده است، از شکل معلوم زمان گذشته استفاده می‌شود.

۲۵۶. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.
تام به‌عنوان یک سرباز شجاع شناخته شده است.

نکته: با توجه به ساختار مجهول (نبودن مفعول بعد از فعل) از شکل مجهول زمان حال ساده استفاده می‌شود و تنها یک گزینهٔ مجهول وجود دارد.

۲۵۷. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.
فردا یک درس جدید به دانش‌آموزان تدریس خواهد شد.

نکته: با توجه به قید زمان آیندهٔ ساده (tomorrow) و مجهول‌بودن جمله، از شکل مجهول will be + p.p. استفاده می‌شود.

۲۵۸. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.
این ماشین‌ها از سال ۲۰۱۰ استفاده نشده‌اند.

نکته: جمله بیانگر حال کامل است (با توجه به since) و هر فعل متعدی بدون مفعول، مجهول است؛ پس: have / has been + p.p.

۲۵۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.
ما دوشنبهٔ گذشته به مهمانی آن‌ها دعوت شدیم.

نکته: با توجه به قید زمان گذشته (دوشنبهٔ گذشته) و نبودن مفعول بعد از فعل متعدی (دعوت‌کردن) از شکل گذشتهٔ سادهٔ مجهول استفاده می‌شود؛ یعنی: was / were + p.p.

۲۶۰. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. این ساعت از سال گذشته خیلی خوب کار کرده است.

نکته: چون work (کار کردن) فعل لازم است، با در نظر گرفتن since از شکل معلوم حال کامل (ماضی نقلی) استفاده می‌شود؛ یعنی: have / has + p.p.

۲۶۱. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. برادر او شب گذشته نزدیک آن پارک پیدا شد.

نکته: با توجه به قید زمان گذشته (شب گذشته) و حالت مجهول فعل (find) از شکل مجهول گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود؛ یعنی: was / were + p.p.

۲۶۲. پاسخ صحیح گزینهٔ a است.
آ: چرا آن‌ها آن شیر را کشتند؟
ب: چون آن می‌خواست به آن‌ها حمله کند.

نکته: جمله بیانگر گذشتهٔ سادهٔ معلوم است چون هم فاعل دارد (they) و هم مفعول (the lion).

۲۶۳. پاسخ صحیح isn't she است.
مینا خوشحال است، مگر نه؟
Mina is ..... → isn't she?

۲۶۴. پاسخ صحیح isn't he است.
او دارد یک ایمیل می‌نویسد، مگر نه؟
He's ..... → isn't he?

۲۶۵. پاسخ صحیح was he است.
جرج گرسنه نبود، مگر نه؟
George wasn't ..... ? → was he?

۲۶۶. پاسخ صحیح weren't they است.
دخترها داشتند قالی می‌بافتند، مگر نه؟
The girls were ..... → weren't they?

۲۶۷. پاسخ صحیح aren't they است.
آن‌ها دارند به همدان می‌روند، مگر نه؟
They are ..... → aren't they?

۲۶۸. پاسخ صحیح will he است.
پدرش ماشین جدیدی نخواهد خرید، مگر نه؟
His father won't ..... → will he?

۲۶۹. پاسخ صحیح haven't they است.
پسرها پنجره را شکسته‌اند، مگر نه؟
The boys have ..... → haven't they?

۲۷۰. پاسخ صحیح hasn't she است. خواهر شما امتحان را پاس کرده، نکرده؟

نکته: اگر have / has / had با قسمت سوم فعل بیاید فعل کمکی محسوب می‌شود و در حالت منفی hasn't می‌شود.

۲۷۱. پاسخ صحیح isn't he است.
من شنیده‌ام او مریض است، مگه نه؟
I've heard he's sick, isn't he?

نکته: نظرات شخصی (I've heard) در سؤال انتهایی استفاده نمی‌شود. یعنی he's sick قسمت اصلی است.

۲۷۲. پاسخ صحیح is it است.
آن چیز جدی نیست، هست؟
It isn't ..... → is it?

۲۷۳. پاسخ صحیح aren't they است.
آن‌ها قصد دارند این‌جا را ترک کنند، مگر نه؟
They are .... → aren't they?

۲۷۴. پاسخ صحیح can it است.
این نمی‌تواند درست باشد، مگر نه؟
This cannot .... → can it?

۲۷۵. پاسخ صحیح does he است. هرگز با بی‌احتیاطی رانندگی نمی‌کند، مگر نه؟

نکته: چون never حالت منفی دارد در قسمت انتهایی از مثبت استفاده می‌کنیم. با توجه به drives که حال ساده است از فعل does استفاده می‌شود.

۲۷۶. پاسخ صحیح didn't they است. دانش‌آموزان دیر آمدند، مگر نه؟

نکته: چون came زمان گذشته است، در قسمت انتهایی از فعل didn't استفاده می‌کنیم. معادل the students ضمیر جمع they است.

۲۷۷. پاسخ صحیح didn't she است. مینا به خودش صدمه زد، مگه نه؟

نکته: هر فعلی که در سوم شخص s یا es نداشته باشد، زمان گذشته است. در قسمت انتهایی از فعل didn't به همراه ضمیر Mina یعنی she استفاده می‌شود.

۲۷۸. were trying: دوستانم به هر طریقی داشتند به من کمک می‌کردند، مگر نه؟

نکته: چون سؤال کوتاه با were شروع شده می‌فهمیم که در ساختار فعل اصلی ما to be هم آمده است و فعل try باید به صورت استمراری (ing دار) بیاید. سؤال کوتاه منفی است، پس جای خالی به صورت مثبت می‌آید و بعد از was و were در زمان گذشته استمراری فعل به شکل ing دار می‌آید.

۲۷۹. پاسخ صحیح will go است. آن‌ها به خرید خواهند رفت، مگه نه؟

نکته: چون در قسمت انتهایی فعل won't آمده است، جمله به زمان آینده است و از will به همراه شکل سادهٔ go استفاده می‌شود.

۲۸۰. پاسخ صحیح haven't had است. آن‌ها هنوز ناهار نخورده‌اند، مگه نه؟

نکته: قسمت انتهایی نشان می‌دهد که جمله حال کامل است و چون مثبت است جمله را به‌صورت منفی حال کامل می‌آوریم، یعنی:
have / has + not + p.p.

۲۸۱. پاسخ صحیح are weaving است. آن‌ها در حال بافتن قالی هستند، مگه نه؟

نکته: قسمت انتهایی نشان می‌دهد که زمان جمله حال استمراری بوده است. بنابراین از فعل are به همراه شکل ingدار فعل داخل پرانتز استفاده می‌شود. یعنی: am / is / are + verb + ing

۲۸۲. پاسخ صحیح can help است. من مطمئن هستم آن‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، مگر نه؟

نکته: با توجه به حالت منفی قسمت انتهایی از شکل مثبت can به همراه شکل سادهٔ فعل یعنی help استفاده می‌کنیم. (قسمت اول جمله توضیح اضافی است.)

۲۸۳. پاسخ صحیح was watching است. او داشت تلویزیون تماشا می‌کرد، مگه نه؟

نکته: با توجه به قسمت انتهایی، جمله بیانگر گذشته استمراری است و در جمله از حالت مثبت استفاده می‌شود، یعنی:
was / were + verb + ing

۲۸۴. پاسخ صحیح won't be است. فردا جلسه‌ای وجود نخواهد داشت، مگه نه؟

نکته: چون در قسمت انتهایی از will استفاده شده است در جمله از won't به همراه شکل ساده فعل استفاده می‌شود، یعنی: won't + verb

۲۸۵. helped: والدینتان همیشه به شما کمک کرده‌اند، اینطور نیست؟

نکته: سؤال کوتاه هم منفی است و هم have دارد که نشانهٔ حال کامل (have + pp) است. بنابراین از فعل مثبت helped استفاده می‌شود.

۲۸۶. پاسخ صحیح didn't do است. آن‌ها تکالیفشان را با دقت انجام ندادند، مگه نه؟

نکته: چون قسمت انتهایی به شکل گذشته مثبت آمده، فعل جملهٔ اصلی به شکل didn't do می‌آید که بیانگر زمان گذشتهٔ ساده است.

287. Tom speaks English very fast, doesn't he?
288. The class begins at eight, doesn't it?
289. We can't speak Arabic well, can we? Or: We can speak Arabic well, can't we?
290. They won't invite us, will they?
291. The girl didn't write a letter, did she?

۲۹۲. پاسخ صحیح گزینهٔ c است.
عمهٔ علی به خودش آسیب رساند، مگه نه؟

نکته: چون فعل hurt زمان گذشته است، در قسمت انتهایی از didn't به همراه ضمیر she استفاده می‌شود. (نداشتن s یا es در سوم شخص مفرد بیانگر گذشتهٔ ساده است.)

۲۹۳. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. او معمولاً هنگام شب تلویزیون تماشا می‌کند، این‌طور نیست؟

نکته: چون جمله بیانگر حال ساده است، در قسمت انتهایی از doesn't به همراه she استفاده می‌شود.

۲۹۴. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. او هرگز به خارج نرفته، مگه نه؟

نکته: با توجه به قید منفی never و فعل کمکی has از has she استفاده می‌کنیم.

۲۹۵. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. آن‌ها پیش ما خواهند ماند، این طور نیست؟

نکته: با توجه به فعل کمکی will و ضمیر فاعلی they، در قسمت انتهایی از حالت منفی فعل will یعنی won't استفاده می‌شود.

۲۹۶. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. خواهر شما ناهار را در ساعت ۱۲ خورد، نخورد؟

نکته: با توجه به فعل گذشتهٔ had از didn't و ضمیر فاعلی متناسب با your sister استفاده می‌شود. (your sister= she)

۲۹۷. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. حمید به‌ندرت شلوار جین می‌پوشد، مگر نه؟

نکته: با توجه قید تکرار منفی rarely، در قسمت انتهایی از حالت مثبت استفاده می‌کنیم. در سؤالات ضمیمه هیچ‌گاه از اسم خاص (Hamid) استفاده نمی‌کنیم. چون جمله حال ساده و سوم شخص است، از does استفاده می‌کنیم.

۲۹۸. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. آن‌ها مجبورند زود بیدار شوند، مگر نه؟

نکته: با توجه به فعل have to که فعل اصلی و زمان حال ساده است از فعل منفی don't استفاده می‌شود.

۲۹۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. رضا آن کتاب را بادقت خواند، مگر نه؟

نکته: چون read زمان گذشته است (به دلیل نداشتن s یا es همراه با فاعل سوم شخص مفرد) از فعل گذشته به‌همراه ضمیر فاعلی استفاده می‌شود.

۳۰۰. پاسخ صحیح گزینهٔ c است. او در تلفظ کلمات جدید مشکل دارد، مگر نه؟

نکته: با توجه به فعل has که فعل اصلی و زمان حال ساده است، از فعل منفی doesn't استفاده می‌شود.

۳۰۱. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. پلیس‌ها هرگز پول دزدیده‌شده را در سرقت پیدا نکردند، مگه نه؟

نکته: با توجه به منفی بودن جمله به دلیل کلمهٔ never و زمان گذشتهٔ فعل found از حالت مثبت زمان گذشته استفاده می‌شود. چون the police اسم جمع است از ضمیر they استفاده می‌شود.

۳۰۲. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. دانش‌آموزان زیادی در کلاس درس وجود داشتند، نداشتند؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی را منفی می‌آوریم و there با مشتقات فعل be می‌آید.
وجود دارند: There are / وجود دارد: There is

۳۰۳. پاسخ صحیح گزینهٔ c است. یکی از دخترها خیلی سخت کار می‌کند، این طور نیست؟

نکته: ضمیر مناسب برای یکی از دخترها she است و چون جمله حال ساده است، از فعل doesn't استفاده می‌شود.

۳۰۴. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. سخت (خیلی جدی) تمرین کردن، انگلیسی شما را بهبود می‌بخشد، این طور نیست؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی منفی می‌آید (حذف گزینه‌های a و c) و سخت تمرین‌کردن معادل it است.
practicing very hard=it

۳۰۵. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. داستانی که شما خواندید خیلی خوب است، مگه نه؟

نکته: فعل اصلی جمله is است و به همین دلیل در قسمت انتهایی isn't می‌آید.
The story (you read) is ..... .

۳۰۶. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. اگر باران نیاید، ما بیرون خواهیم رفت، مگر نه؟

نکته: در جملات شرطی، قسمت انتهایی (پرسش تأکیدی) مربوط به پاسخ شرط می‌شود نه قسمت شرط. چون will مثبت است در قسمت انتهایی از won't استفاده می‌کنیم. قسمت انتهایی همیشه از یک فعل و ضمیر تشکیل می‌شود.

۳۰۷. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. مینا هرگز خوب آشپزی نمی‌کند، مگه نه؟

نکته: با توجه به منفی‌بودن جمله (never) و حال ساده بودن فعل (cooks) از does she استفاده می‌کنیم. توجه داشته باشید که در دم‌سؤالی هیچ‌گاه از اسم خاص (Mina) استفاده نمی‌کنیم. قسمت انتهایی همیشه از یک فعل و ضمیر تشکیل می‌شود.

۳۰۸. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. این فرهنگ‌لغت شماست، نیست؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی را منفی می‌آوریم و به‌جای this از ضمیر it استفاده می‌کنیم.

۳۰۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. آنچه که شما گفتید کاملاً درست است، نیست؟

نکته: آنچه که شما گفتید (what you said) معادل it است و با توجه به is در قسمت انتهایی از isn't استفاده می‌شود.

۳۱۰. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. نامه توسط پدرم دو روز پیش پست شد.

نکته: با توجه به ساختار جمله که بیانگر مجهول گذشتهٔ ساده است was / were + p.p. صحیح است.

۳۲۹. پاسخ صحیح گزینهٔ d است. ژیلا وقتی غمگین است هرگز یک کلمه حرف نمی‌زند، مگه نه؟

نکته: با توجه به قید تکرار منفی never، قسمت انتهایی مثبت می‌آید و چون جمله بیانگر حال ساده است، فعل does استفاده می‌شود.

۳۳۰. پاسخ گزینهٔ b است. آن‌ها یک خانه جدید خواهند خرید، این طور نیست؟ جمله بیانگر زمان آینده و مثبت است، پس در قسمت انتهایی فعل منفی won't می‌آید.

۳۳۱. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. خواهرتان امتحان را پاس کرده است (قبول شده است)، مگر نه؟

نکته: چون جمله مثبت است و فعل کمکی has را دارد، در قسمت انتهایی hasn't می‌آید. معادل your sister ضمیر فاعلی she است.

۳۳۲. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. حمید یک کلمهٔ بد نمی‌گوید، مگر نه؟

نکته: چون جمله منفی است (doesn't) قسمت انتهایی را مثبت می‌آوریم.

۳۳۳. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. خواهر او هرگز مودبانه رفتار نمی‌کند، مگر نه؟

نکته: جمله بیانگر سؤال انتهایی (سؤال تأکیدی) است. قید تکرار منفی never نشان می‌دهد که جمله منفی است و از طرفی به‌دلیل حال ساده بودن (drives) از فعل does استفاده می‌شود.

۳۳۴. پاسخ صحیح گزینهٔ d است.

الف: حمید به مدرسه نیامده است، شنیده‌ام که حالش خوب نیست، مگر نه؟

ب: اوه، بله. او آنفولانزا گرفته است.

نکته: عبارت I've heard را بیخیال شوید و از ادامهٔ جمله، پرسش تأییدی را بسازید!

۳۳۵. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. پدرم ماشین جدیدی خواهد خرید، مگر نه؟

نکته: چون «will buy» بر زمان آینده ساده دلالت دارد، سؤال کوتاه تبدیل به won't he می‌شود. در سؤال کوتاه **همیشه** به جای اسم از ضمیر استفاده می‌شود.

۳۳۶. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. لیلا هیچ‌وقت یادش نمی‌رود با تو تماس بگیرد، مگر نه؟

نکته: چون جمله حالت منفی (never) دارد و حال ساده (forgets) می‌باشد از does و ضمیر she به‌جای Leila استفاده می‌شود.

۳۳۷. پاسخ صحیح گزینهٔ a است. امیر خودش دیوار را رنگ نکرد، مگر نه؟

نکته: چون جمله گذشته ساده منفی است در قسمت انتهایی از did استفاده می‌شود و در سؤال ضمیمه حتماً باید از **ضمیر** به‌جای اسم (Amir) استفاده بکنیم.

۳۳۸. پاسخ صحیح گزینهٔ b است. ناهید اتاق را تمیز خواهد کرد، مگه نه؟

نکته: چون قسمت انتهایی دلالت بر زمان آیندهٔ منفی (won't she) دارد، در جمله از will و شکل سادهٔ فعل (clean) استفاده می‌شود.

Listening

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how toforgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom.

دکتر اسدی دارد به این سوال مهم پاسخ می‌دهد که «چرا مراقبت از سالمندان‌مان مهم است؟» من فکر می‌کنم قبل از هر چیز باید به یاد داشته باشیم که آنها مادران و پدران ما و اولین معلمان ما هستند. آن‌ها به ما یاد می‌دهند چگونه دوست داشته باشیم، چگونه مراقبت کنیم، چگونه ببخشیم، و چگونه بپذیریم. ثانیاً، بزرگ‌ترها از هر یک از ما دانش و خرد بیشتری دارند. آن‌ها تا به این‌جا رسیده‌اند و چیزهای زیادی یاد گرفته‌اند، ما وظیفه داریم از آن حکمت (خرد) درس بگیریم.

۳۳۹. گزینه (a): آ: بزرگان ما چه کسانی هستند؟ ب: مادران و پدران

a) مادران و پدران　　b) پدران

c) مادران　　d) پزشکان

۳۴۰. گزینه (b): **آ:** بزرگ‌ترها ما به ما چه می‌آموزند؟ **ب:** به ما می‌آموزند که چگونه عشق بورزیم و مراقبت کنیم.

a) بپذیرید و یاد بگیرید　　b) عشق بورزیم و مراقبت کنیم

c) ببخشیم و به خاطر بسپاریم　　d) پاسخی بیاموزید

۳۴۱. گزینه (d): ما مسئولیت داریم از خرد آنها درس بگیریم.

a) درد　　b) موقعیت

c) آرزو　　d) خرد

Listening

آ: برنامه‌های تلویزیون این روزها **بدترین** هستند. حتی با وجود صد کانال برای **انتخاب**، همه چیز **وحشتناک** است.

ب: حق با شماست! من فکر می‌کنم به این دلیل است که بیشتر برنامه‌های تلویزیونی برای **نوجوانان** نوشته می‌شوند. هیچ چیزی برای بزرگ‌ترها وجود ندارد تا [از آن] **لذت ببرند**.

342. worst　　344. terrible　　346. teenagers

343. choose　　345. right　　347. enjoy

Listening

سارا: خیلی خوب است که پزشکان معروفی در بیمارستان شما هستند.

پرستار: آیا می‌دانید ایران همیشه طبیبان و پزشکان بزرگی داشته و از نظر **پزشکی** غنی بوده است؟

سارا: جالب به نظر می‌رسد. می‌توانید برخی از آنها را نام ببرید؟ من دوست دارم آن‌ها را بشناسم.

پرستار: از نظر **تاریخی** می‌توانیم به ابن‌سینا اشاره کرد.

سارا: ابن‌سینا! می‌شود بیشتر در موردش به من بگویید؟

پرستار: بله، البته! او یک پزشک بزرگ **ایرانی** بود. او دو کتاب بزرگ نوشته است. **زندگی** او منبع الهام برای بسیاری از مردم است.

سارا: خیلی خوب است. فکر می‌کنم از پدرم بخواهم که تابستان امسال ما را به همدان **ببرد**.

پرستار: بله، فکر می‌کنم سفر هیجان‌انگیزی خواهد بود!

348. medicine　　350. Persian　　352. take

349. history　　351. life

Listening

سارا برای یک هفته در **مرکز** پزشکی بچه‌ها بوده است. او به آنفلوانزای بدی مبتلا شده است. دکتر به او گفت که آنجا بماند تا بهتر شود. تصویر یک پیرمرد بر روی دیوار وجود دارد. وقتی که پرستار مشغول گرفتن **درجه حرارت** است، آن‌ها شروع به صحبت می‌کنند.

ببخشید، آن مردی که در تصویر است کیست؟

پرستار: اوه، آیا او را نمی‌شناسی؟ آیا تا به حال (اسم) دکتر محمد قریب را **شنیده‌ای**؟

سارا: من فکر می‌کنم فقط اسمش را در کتاب انگلیسی‌ام دیده‌ام، اما دربارهٔ آن مطمئن نیستم.

پرستار: دکتر قریب پزشک **مشهوری** بود.

سارا: آیا می‌توانی کمی دربارهٔ زندگی او به من بگویی؟

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران **متولد** شد.

بعد از اخذ (گرفتن) دیپلم، او به **خارج** رفت تا پزشکی بخواند.

در سال ۱۳۱۶ او پزشک شد و به زادگاهش برگشت.

در سال ۱۳۴۷، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان صمیمیش (نزدیکش) **تأسیس شد**.

سارا: واقعاً؟ من این را نمی‌دانستم.

پرستار: دکتر قریب همچنین مرد **سخاوتمندی** بود.

او از هیچ کوششی برای درمان بچه‌های مریض دریغ نمی‌کرد.

او با خانواده‌های فقیر **دوست** و یاری‌رسان بود.

جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد موردتوجه بود.

سارا: حیف شد! چنین مرد بزرگی را نمی‌شناختم.

پرستار: او همچنین به عنوان یک استاد برجستهٔ **دانشگاه** شناخته شده بود.

اولین کتاب درسی ایرانی دربارهٔ **بیماری‌های** کودکان توسط او نوشته شد.

او **پزشکی** را به هزاران دانشجو آموزش می‌داد.

سارا: اوه! چه مرد بزرگی بوده!

پرستار: راستی، شاید **جالب** باشد که بدانید پزشک شما یکی از شاگردان دکتر قریب بوده است!

353. Medical
354. temperature
355. heard
356. famous
357. born
358. abroad
359. founded
360. generous
361. friendly
362. university
363. diseases
364. medicine
365. interesting

ترجمه

دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد و پس از اخذ دیپلم برای تحصیل در رشتهٔ پزشکی به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۱۶ طبیب شد و سپس به وطن بازگشت. در سال ۱۳۴۷ این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش تأسیس شد. دکتر قریب همچنین مرد سخاوتمندی بود. او برای درمان کودکان بیمار از هیچ‌کوششی دریغ نمی‌کرد. او به عنوان یک پزشک متعهد به حساب می‌آمد. او به عنوان یک استاد برجستهٔ دانشگاه نیز شناخته می‌شد. اولین کتاب درسی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شده است.

366. diploma
367. founded
368. generous
369. regarded
370. professor
371. diseases

Listening

آیا می‌دانید چرا مراقبت کردن از بزرگ‌ترهایمان مهم است؟ چون آن‌ها مادران و پدران ما هستند و نخستین معلم‌های ما (هستند). آن‌ها به ما می‌آموزند که چگونه عشق بورزیم، چگونه مراقبت کنیم و چگونه دیگران را **ببخشیم**. بزرگ‌ترها نسبت به هر یک از ما **دانش** و عقلانیت بیشتری دارند. آن‌ها تا این‌جا آمده‌اند و خیلی چیزها آموخته‌اند، به این دلیل است که ما باید از عقلانیت آن‌ها بیاموزیم: اما مهمترین چیز، تجربهٔ آن‌هاست. ما ممکن است همهٔ فراز و نشیب‌هایی را که آن‌ها در زندگی با آن **مواجه** شده‌اند بدانیم یا ندانیم: اما آن‌ها تجربهٔ بسیاری دارند که بسیار قابل **احترام** و یادگیری است. بزرگ‌ترهای ما ممکن است بسیاری از دردهایشان را از ما پنهان کنند، چون نمی‌خواهند آن درد را **حس کنیم**. حداقل کاری که ما می‌توانیم انجام بدهیم **قدردانستن** آن‌ها به خاطر همهٔ آن چیزی است که آن‌ها پشت سر گذاشته‌اند و آموختن از تجربهٔ آن‌هاست.

372. forgive
373. knowledge
374. faced
375. respecting
376. feel
377. appreciate

Listening

رؤیا: جمعه به **باشگاه** می‌رویم. مینا، با ما می‌آیی؟

مینا: فکر نمی‌کنم (بتوانم بیایم).

رؤیا: تو ورزش دوست نداری، نه؟

مینا: در واقع، من نمی‌دانم به نظر من **بستگی** به نوع ورزش دارد.

رؤیا: ورزش‌های **گروهی** را ترجیح می‌دهی، مگه نه؟

مینا: خب، به نظرم خوبه. اما راستش من ورزش‌های کم**تحرک‌تری** مثل شطرنج را دوست دارم.

378. gym
379. depends
380. team
381. active

Listening

Sofia: Where did you go for your holiday?
James: Last year I went to Singapore, a south-east Asian country.
Sofia: Why did you choose the destination?
James: I loved to travel to Asian countries, and Singapore was my best choice because of its beauty and culture.
Sofia: How long did it last?
James: I stayed there for two weeks.
Sofia: How did you travel?
James: We flew there of course.
Sofia: What did you pack up?
James: I only brought some necessary items such as money, clothes, medicine, a map and a digital camera.
Sofia: What did you do there in the holiday?
James: We visited tourist attractions.

سوفیا: برای تعطیلاتت کجا رفتی؟

جیمز: سال گذشته به سنگاپور، کشوری در جنوب شرق آسیا، رفتم.

سوفیا: چرا این مقصد را انتخاب کردی؟

جیمز: من عاشق سفر به کشورهای آسیایی بودم و سنگاپور به دلیل زیبایی و فرهنگش بهترین انتخاب من بود.

سوفیا: چقدر طول کشید؟

جیمز: من دو هفته آن‌جا ماندم.

سوفیا: با چه وسیله‌ای سفر کردی؟

جیمز: البته ما به آن‌جا پرواز کردیم (با هواپیما).

سوفیا: چه چیزهایی را همراهت بردی؟

جیمز: من فقط چند اقلام ضروری مثل پول، لباس، دارو، یک نقشه و دوربین دیجیتال بردم.

سوفیا: تو تعطیلات آن جا چه‌کار کردی؟

جیمز: ما از جاذبه‌های گردشگری دیدن کردیم.

۳۸۲. گزینهٔ (c): جیمز برای تعطیلات به **جنوب شرقی آسیا** رفت.

۳۸۳. گزینهٔ (a): جیمز به خاطر **زیبایی و فرهنگش** به سنگاپور رفت.

418. Saeed studied hard for the exam, but he didn't pass it.

سعید برای امتحان خیلی درس خواند، اما قبول نشد.

OR: Saeed studied hard for the exam; so he passed it.

یا: سعید برای امتحان سخت مطالعه کرد؛ بنابراین در آن قبول شد.

۴۱۹. but: خانم تهرانی ماهی را دوست دارد، **اما** مادربزرگش از آن نفرت دارد.

۴۲۰. so: این کفش‌ها راحت نیستند، **در نتیجه** من آن‌ها را به‌ندرت می‌پوشم.

۴۲۱. and: آن زن ظرف‌ها را شست **و** دخترش آن‌ها را خشک کرد.

۴۲۲. or: شما می‌توانید این دفترچهٔ راهنما را چک کنید، **یا** ممکن است وب‌سایت ما را ببینید.

۴۲۳. so: سحرخیز باش تا کامروا شوی، **در نتیجه** اگر می‌خواهی موفق بشوی بیدار شو و زود شروع به کار کن.

۴۲۴. and: او یک خانه خرید، شغلی پیدا کرد **و** سال گذشته مدرسه‌ای برای بچه‌هایش انتخاب کرد.

۴۲۵. but: لیوان روی (کف) زمین افتاد **اما** نشکست.

۴۲۶. or: شما می‌توانید (پول) را الان بپردازید **یا** وقتی نقاشی شما را تمام کردم.

۴۲۷. or: شما می‌توانید یک پیراهن بخرید **یا** پولتان را پس‌انداز کنید.

۴۲۸. so: در خانه چیزی برای خوردن نبود **در نتیجه** من به رستوران رفتم.

۴۲۹. but: دوستم مشکلات زیادی داشت **اما** چیزی به من نگفت.

۴۳۰. and: او چندین کتاب برای بچه‌ها نوشت **و** کتاب‌های داستان بسیاری را ترجمه کرد.

۴۳۱. or: او می‌تواند آن فرهنگ‌لغت را بخرد **یا** آن را از کتابخانه قرض بگیرد.

۴۳۲. so: هیچ نانی در خانه وجود نداشت، **در نتیجه** مادرم رفت بیرون تا کمی (نان) بخرد.

۴۳۳. but: خواهرم سیب دوست دارد **ولی** از موز متنفر است.

۴۳۴. and: علی یک کت جدید خرید **و** آن را به مدت دو سال پوشید.

ترجمه

امین دانش‌آموز خوبی است **و** به مدرسه‌ای نزدیک خانه‌شان می‌رود. او می‌تواند با تاکسی **یا** پیاده به خانه بیاید. او معمولاً به موقع برمی‌گردد، **ولی** او دیروز دیر به خانه بازگشت به‌خاطر این‌که یکی از دوستانش مریض شد **در نتیجه** امین منتظر ماند تا پدر دوستش برسد.

435. and
436. or
437. but
438. so

ترجمه

معلّمان هر روز جدی کار می‌کنند تا مطمئن شوند شما درس‌هایتان را آموخته‌اید، **در نتیجه** آن‌ها سزاوار احترام شما هستند. شما باید به ارزش‌های آن‌ها احترام بگذارید **و** به آن‌ها بگویید به‌خاطر کمکشان سپاسگزارشان هستید. شما ممکن است گاه‌گاهی مهربانی‌شان را فراموش کنید، **اما** باید به خاطر داشته باشید که آن‌ها مثل والدینتان شخصیت شما را شکل دادند. با آن‌ها تا وقتی هنوز پیرامونتان هستند رفتار خوبی داشته باشید **در غیر این صورت** روزی متأسف خواهید شد.

439. so
440. and
441. but
442. or

توضیح: or هم می‌تواند برای انتخاب بیاید و هم برای شرط (تهدید).

۴۴۳. ما می‌توانیم ناهارمان در رستوران بخوریم **یا** می‌توانیم آن را در خانه بخوریم.

۴۴۴. but: آن‌ها می‌خواستند به شما تلفن بزنند، **اما** شمارهٔ تلفن شما را نداشتند.

۴۴۵. so: آن فرهنگ‌لغت گران است، **در نتیجه** من نمی‌توانم آن را بخرم.

۴۴۶. but: سپیده اسپاگتی دوست دارد **اما** مادربزرگش از اسپاگتی متنفر است.

۴۴۷. so: این کفش‌ها راحت نیستند، **در نتیجه** من آن‌ها را نخواهم خرید.

۴۴۸. or: ما می‌توانیم با اتوبوس برویم، **یا** می‌توانیم تاکسی بگیریم.

۴۴۹. and: من صبح زود بیدار شدم **و** املت درست کردم.

۴۵۰. but: برف در خیابان وجود دارد، **اما** (هوا) خیلی سرد نیست.

۴۵۱. and: ما به رستوران رفتیم **و** غذا سفارش دادیم.

۴۵۲. so: آن واژه‌نامه گران است، **در نتیجه** من نمی‌توانم آن را بخرم.

۴۵۳. so: احساس گرسنگی می‌کردم، **در نتیجه** برای خودم ساندویچ درست کردم.

۴۵۴. or: آیا بیرون به سینما می‌روید **یا** در خانه می‌مانید؟

۴۵۵. but: شیوا خوب تنیس بازی می‌کند **ولی** زهرا خوب نیست.

۴۵۶. so: هیچ چیزی در تلویزیون نبود، **در نتیجه** رفتم بخوابم.

۴۵۷. so: شیوا فردا امتحان دارد؛ **بنابراین** او باید امشب خوب مطالعه کند.

۴۵۸. but: کلاس انگلیسی من واقعاً لذت‌بخش است؛ اما من تکالیف بسیاری برای انجام دادن دارم.

۴۵۹. so: شما بازی را باختید، در نتیجه اگر می‌خواهید موفق بشوید باید بیشتر تمرین کنید.

۴۶۰. or: شما می‌توانید سوار اتوبوس بشوید یا تاکسی بگیرید.

۴۶۱. and: من به طرف وایت‌برد رفتم و موضوع درس جدید را نوشتم.

۴۶۲. but: برادرم مرد ثروتمندی است ولی خواهرم فقیر است.

463. These shoes are small, but those shoes are big.

این کفش‌ها کوچک هستند، ولی آن کفش‌ها بزرگ هستند.

464. Many people are still becoming sick because of the COVID 19, so they should stay at home.

بسیاری از مردم هنوز به دلیل کووید ۱۹ بیمار می‌شوند، بنابراین باید در خانه بمانند.

465. Jimmy seems very tired, but he has to do his homework.

جیمی خیلی خسته به نظر می‌رسد، اما باید تکالیفش را انجام دهد.

۴۶۶. c: شما می‌توانید از دیکشنری موبایلی استفاده کنید، یا [اینکه] می‌توانید یک (دیکشنری) جیبی بخرید.

۴۶۷. d: جاده‌ها پوشیده از یخ بود، بنابراین رانندگی [کاری] امن نبود.

۴۶۸. a: می‌خواستم با شما تماس بگیرم، اما شمارهٔ شما را نداشتم.

۴۶۹. b: به سمت پنجره رفتم و بیرون را نگاه کردم.

۴۷۰. گزینهٔ (a): ملیکا گربه را گرفت **و آن را در جعبه گذاشت.**

a) و آن را در جعبه گذاشت.
b) پس از درخت بالا رفت.
c) اما خیلی شلوغ بود.
d) یا او خیلی دیر کرده بود.

۴۷۱. گزینهٔ (d): رستوران خیلی زیبا نبود **اما غذایش خیلی خوب بود.**

a) و من در آنجا اوقات بسیار خوبی را سپری کردم.
b) یا می‌توانم امشب در خانه بمانم.
c) بنابراین من به ندرت خوب آشپزی می‌کنم.
d) اما غذایش خیلی خوب بود.

۴۷۲. گزینهٔ (b): من سه ساعت را در باشگاه گذراندم، **بنابراین اکنون واقعاً خسته هستم.**

a) و من بازیکن خوبی نیستم
b) بنابراین اکنون واقعاً خسته هستم
c) اما من گرسنه هستم
d) یا اکنون آن را ترک می‌کنم

۴۷۳. گزینهٔ (d): در آسمان ابرهای زیادی وجود دارد **و نمی‌توانید خورشید را ببینید.**

a) اما باران خواهد بارید
b) بنابراین بسیار خنده‌دار است
c) یا می‌توانید به بیرون بروید
d) و نمی‌توانید خورشید را ببینید

۴۷۴. گزینهٔ (c): والدین من از کار در باغ لذت می‌برند و **در آنجا سبزی می‌کارند.**

a) بنابراین آن‌ها غمگین هستند.

b) یا باغشان زیباست.

d) اما آن‌ها باغ خود را دوست دارند.

۴۷۵. گزینهٔ (d): مهیار باید انتخاب کند. او می‌تواند تلویزیون تماشا کند یا **می‌تواند بخوابد.**

a) و او می‌تواند به خارج از کشور برود.

b) بنابراین او بتواند در امتحان قبول شود.

c) اما او می‌تواند پیانو بنوازد.

ترجمه

دکتر اسدی در حال پاسخ‌دادن به این سؤال مهم است: «چرا مهم است مراقب بزرگسالان خود باشیم؟» من فکر می‌کنم اول از همه (مهم‌تر از همه) باید به‌خاطر داشته باشیم آن‌ها مادران و پدران ما و اولین معلمان ما هستند. آن‌ها به ما یاد می‌دهند که چگونه عشق بورزیم، چگونه مراقبت کنیم، چگونه ببخشیم و چگونه بپذیریم. ثانیاً: بزرگسالان دانش و خرد بیشتری نسبت به هر یک از ما به ما دارند. آن‌ها به این‌جا رسیده‌اند و چیزهای زیادی آموخته‌اند، ما مسئولیت داریم از آن خرد بیاموزیم. اما مهم‌ترین چیز تجربیات آنان است. ما ممکن است بدانیم یا ندانیم که آن‌ها با چه فراز و فرودهایی در زندگی مواجه شده‌اند، اما آن‌ها قطعاً تجربه‌ای را به‌دست آورده‌اند که که ارزش احترام‌گذاشتن و یادگیری را دارد. بزرگان ما ممکن است درد زیادی را از ما مخفی کنند چون آن‌ها نمی‌خواهند ما آن درد را احساس کنیم، کمترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که از آن‌ها بابت کارهایی که کرده‌اند قدردانی کنیم و از بصیرت‌شان در موقعیت‌ها بیاموزیم. با این حال، یک مسئلهٔ مهم دیگر میراث و فرهنگ ماست. ما باید چیزهای زیادی در مورد میراث خود از والدین‌مان یاد بگیریم. این میراث و تاریخ احساس تعلق خاطر را به ارمغان می‌آورد. از همه مهم‌تر، این به ما احساس هویت گذشتهٔ ما و مسئولیت محافظت از آن را برای نسل‌های آینده‌مان می‌دهد. آنچه در پایان می‌توانم اضافه کنم نقش اخلاق، ارزش‌ها و اصول والدین در زندگی ما است. بزرگان ما مجموعه‌ای از اخلاق، ارزش‌ها و اصول را در زندگی خود آموخته‌اند، ساخته‌اند یا پرورش داده‌اند. بزرگان ما بهترین چیزها را برای ما می‌خواهند و آن‌ها مایلند به ما بگویند چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آن‌ها را موفق و به‌طور امیدبخشی آرام کرده است.

476. Because they are our mothers and fathers, and our first teachers.

477. "They" refers to our parents.

478. Because it brings a sense of belonging.

479. We have to protect them for our furture generations.

480. They are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful.

ترجمه

احترام راهی برای خوب رفتار کردن یا فکر کردن زیاد درباره چیزی یا کسی است. شما به کسانی که برایتان مهم هستند احترام می‌گذارید. شما با ادب و مهربانی احترام خود را نشان می‌دهید. هنگامی که شما بی ادب هستید یا نسبت به مردم بد رفتار می‌کنید، آنها ممکن است احساس غمگینی یا عصبانیت کنند. اما به چه کسی باید بیشتر از همه احترام گذاشت؟

شما باید مراقب کسانی باشید که همیشه مراقب شما هستند. شما می‌دانید که والدینتان سر هر چیز کوچکی از شما مراقبت می‌کنند. شما باید آنها را دوست داشته باشید، به آنها احترام بگذارید و از آنها مراقبت کنید. علاوه بر این که شما را به دنیا می‌آورند، والدینتان وقت، انرژی و نیروی خود را صرف می‌کنند تا مطمئن شوند که آنچه را که نیاز دارید یا می‌خواهید داشته باشید. این که به آنها بگویید از آنها سپاس‌گزارید، نشان دهنده میزان احترام شما به آنها است.

ساده‌ترین راه برای نشان دادن عشق و احترام خود این است که به آنها بگویید قدردان آنی که هستند و آن‌چه که می‌کنند، هستید. شما همچنین می‌توانید کاری کوچک اما معنی‌دار انجام دهید، مثلاً ظرف‌ها را بشویید، آشپزخانه را بعد از شام تمیز کنید یا اتاق‌ها را تمیز کنید. والدین شما به اعمال محبت‌آمیز شما توجه خواهند کرد و قدردان آنها خواهند بود. همچنین می‌توانید به مادرتان بگویید که چقدر خوب آشپزی می‌کند یا به پدرتان بگویید که چقدر در کارش عالی است. برای اکثر والدین، هریک از این چیزهای کوچک می‌تواند نشانهٔ احترام باشد.

۴۸۱. (True): ما به کسانی که به دلایلی برای ما مهم هستند احترام می‌گذاریم.

۴۸۲. (False): اگر شما نسبت به مردم بی ادب باشید یا با آن‌ها بد رفتار کنید، احساس مهم بودن می‌کنند.

۴۸۳. گزینهٔ (d): ما احترام خود را با مؤدب بودن نسبت به کسانی که به آن‌ها اهمیت می‌دهیم: نشان می‌دهیم.

الف) نیاز ب) قدرت ج) شادی د) احترام

۴۸۴. گزینه (a): این که به والدین خود بگویید که از آنها سپاس‌گزارید، نشان‌دهندهٔ میزان احترام شما به آن‌ها است.

الف) منعکس کردن، نشان دادن ب) اختراع کردن

ج) تصویر کردن د) فریاد زدن

485. The easiest way to show our love and respect is to tell them that we appreciate who they are and what they do.

ساده ترین راه برای نشان دادن عشق و احترام خود این است که به آنها بگویید قدردان آنی که هستند و آنچه که می‌کنند، هستیم.

486. Yes, it can. For example, washing the dishes/ cleaning the kitchen/ cleaning the room.

بله، می‌تواند. مثلاً شستن ظرف‌ها، تمیز کردن آشپزخانه، تمیز کردن خانه

ترجمه

تعدادی از مردم ترجیح می‌دهند کمک و پشتیبانی مستقیم برای آن‌هایی که نیاز دارند فراهم کنند. هرچند، دیگران دوست دارند که به سازمان‌های خیریه ملی و بین‌المللی پول بدهند. دادن پول به آن‌هایی که نیاز دارند می‌تواند شخصاً تجربهٔ خوبی باشد، اما یک انتخاب بین اهدای پول از طریق خیریه‌ها به‌صورت ملی و بین‌المللی و یا دادن مستقیم به آن‌هایی که دور و بر شما هستند وجود دارد. یکی از مزایای فراهم‌کردن پشتیبانی مستقیم این است که شما می‌توانید دقیقاً بدانید که پولتان چگونه هزینه شده است. مزیت دیگر این است که شما می‌توانید تأثیرات آن‌ها را بر روی افرادی که به آن‌ها کمک می‌کنید، ببینید که این (امر) نه تنها می‌تواند به شادی شخصی زیادی منجر شود، بلکه همچنین به کسب احترام از جانب کسانی‌که کاری را انجام می‌دهید تحسین می‌کنند، منجر می‌شود.

مزایایی برای اهدا به خیریه‌های ملی و بین‌المللی وجود دارد. اولین و بهترین آن کمک‌کردن به مسائلی است که اهمیت بین‌المللی دارد. مثل درمان بیمارها و حقوق انسانی یا کمک‌کردن به آن‌هایی که در رویدادهای محیط‌زیستی مثل زلزله‌ها و سیل‌ها هستند.

در پایان یک شخص باید انتخابش را در کمک به دیگران داشته باشد. نکتهٔ مهم این است که ما به کمک‌کردن به کسانی که نیاز بیشتری به کمک نسبت به خودمان دارند، ادامه دهیم.

487. It can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.